



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۵/۲۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۲۵

صص: ۹۷-۶۳

شاپا چاپی: ۱۰۲۵-۵۰۸۷
الکترونیکی: ۴۶۵۴-۴۹۷۱



DOR: 20.1001.1.10255087.1403.33.126.3.4

ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی بر مبنای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۴۰۰)

حسین کریمی نژاد^۱ | میثم هادی پور^۲

چکیده

سیاست خارجی دولت آقای روحانی، عمدتاً از منظر گفت‌وگویی و ادراکی، مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است. پژوهش پیش‌رو، برخلاف این رویه، سعی نموده تا به ارزیابی سیاست خارجی ایران در دولت‌های یازدهم و دوازدهم، از جنبه عملکردی و کرداری و مبتنی بر «منافع ملی جمهوری اسلامی» (در معنای موسع)، پردازد. برابر روندنگاری به عمل آمده، سیاست خارجی دولت روحانی با تمرکز بر انعقاد توافق هسته‌ای، حفظ و توسعه آن و در نهایت احیای این توافق (موسوم به برجام)، پی‌جویی شد. از این حیث، سیاست خارجی ایران در مقطع زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۰، به شش دوره قابل تقسیم است: (۱) از آغاز کار دولت تا انعقاد «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام)؛ (۲) از انعقاد برجام تا روی کار آمدن دولت ترامپ؛ (۳) از روی کار آمدن ترامپ تا خروج آمریکا از برجام؛ (۴) از خروج آمریکا از برجام تا شکست طرح اینستکس و مذاکرات با اروپا؛ (۵) از شکست مذاکرات با اروپا تا پیروزی جو بایدن؛ (۶) پیروزی بایدن و تلاش برای احیای برجام. بر این اساس، سوال این مقاله عبارت است از: «عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی، تا چه حدی تأمین‌کننده منافع ملی ج.ا. ایران بوده است؟». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، «سیاست خارجی روحانی - به علت تک‌بعدی بودن و تمرکز زیاد بر مذاکرات هسته‌ای و عدم موازنه‌بخشی موفق (موازنه ناکافی) در سطوح داخلی و خارجی، پیش و پس از خروج آمریکا از برجام - موفق نشد تا سطح قابل قبولی از اهداف و منافع ملی ج.ا. ایران را تأمین نماید». کلیدواژه‌ها: سیاست خارجی، منافع ملی، روحانی، برجام، روند

۱. نویسنده مسئول: کاندیدای دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

hossein.karami1400@yahoo.com

۲. دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

حسن روحانی در خرداد ۱۳۹۲، در شرایطی به پیروزی در یازدهمین انتخابات ریاست جمهوری ج.ا. ایران دست یافت که تحریم‌های اقتصادی تحت عنوان مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سطحی گسترده علیه ج.ا. ایران اعمال شده بود. ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و صدور شش قطعنامه این شورا علیه ج.ا. ایران، تحریم نفت و محصولات پتروشیمی، تحریم بانک مرکزی و دارایی‌های آن، جلوگیری از دسترسی به سیستم خدمات پیامی مالی برای انجام نقل و انتقال پول، بلوکه کردن دارایی‌ها و اموال ایران و به طور کلی تحریم‌های مالی و نفتی سنگینی که اقتصاد ایران را هدف گرفته بودند، از جمله اقدامات تهدیدزای مهم از سوی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ج.ا. ایران بود (International Crisis Group, 2013:13). از سوی دیگر، ظرفیت و پیشرفت فعالیت‌های فنی هسته‌ای ایران نیز - چنانچه اروپایی‌ها به کرات عنوان می‌کردند - به نقطه «گریز هسته‌ای» رسیده بود. در رآکتور اراک پیشرفت‌های چشمگیری روی داد و در بقیه حوزه‌ها نیز در سطح بالایی برنامه هسته‌ای ایران توسعه یافت. اعلام نصب و راه‌اندازی اولین زنجیره ۱۶۴ تایی سانتریفیوژها و تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در آوریل ۲۰۰۶، اعلام راه‌اندازی ۳۰۰۰ سانتریفیوژ در نطنز و تولید اورانیوم غنی شده در مقیاس صنعتی در آوریل ۲۰۰۷، اعلام تولید اورانیوم با غنای ۲۰ درصد در ایران در فوریه ۲۰۱۰ و توسعه کمی و کیفی تعداد سانتریفیوژهای ایران به عدد ۱۹۰۰۰، از جمله شاخص‌های پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران در مقطع پیش از ریاست جمهوری روحانی، به شمار می‌آید.

بر این اساس، روحانی چه در حین مبارزات انتخاباتی و چه پس از پیروزی و استقرار در پاستور - عمده‌ترین هدف در سیاست خارجی خود را مذاکره با اعضای ۵+۱ برای برداشتن تحریم‌های اقتصادی و حفظ چرخه هسته‌ای ایران، عنوان نمود. از این رو، به زعم برخی کارشناسان، روحانی «روابط سازنده با جامعه بین‌المللی، حل اختلاف با غرب بر سر برنامه هسته‌ای ایران و پایان دادن به انزوای دیپلماتیک ایران» را در اولویت سیاست خارجی خود قرار داد (Robinson, 2021:8). با توجه به این وضعیت که ذکر آن گذشت - سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوران روحانی با انتقال پرونده مذاکرات هسته‌ای از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه، با پرونده

هسته‌ای و مذاکرات با اعضای ۵+۱ آغاز شد. اما - چنانچه خواهد آمد - سیاست خارجی روحانی با تمرکز بر همین پرونده هسته‌ای تداوم و پایان یافت.

این پژوهش درصدد ارزیابی عملکرد سیاست خارجی دولت روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲) مبتنی بر «منافع ملی ج.ا. ایران» با روش «تحلیل روندها»^۱ است. تحلیل روند، عبارت است از مطالعه یک روند مشخص به منظور کشف ماهیت، علت‌های بروز، سرعت توسعه، پیامدهای بالقوه آن و در نهایت احصاء الگوهای حاکم بر پدیده مورد مطالعه است. به عبارت دیگر، تحلیل روندها بر ارزیابی تجربی چند پدیده با معیارها و اقدامات تکرار شونده در طول زمان است. روند خود به معنای میل و حرکت به سوی ارزش‌هایی در دوره‌های زمانی است که با نظم ثابت کاهش یا افزایش می‌یابد. از این حیث، روش تحلیل روندها، از جنبه‌های مختلف زمانی (گذشته، گذشته تا حال، گذشته تا حال و پیش‌بینی آینده) قابل استفاده است. با عنایت به اینکه، مقاله پیش رو - به طور کلی - بر جریان اصلی و روند غالب در میل و حرکت اقدامات سیاست خارجی روحانی، به صورت در زمانی نگرینسته، روش مذکور (تحلیل روندها)، بهتر می‌تواند در تبیین فرضیه نگارندگان، کمک کننده باشد.

بر این اساس، در پژوهش پیش رو سعی شده تا از منظری کرداری و عملکردی - بر مبنای منافع ملی ج.ا. ایران - و با استفاده از روش «تحلیل روندها» به ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی پرداخته شود. برابر روندنگاری به عمل آمده، سیاست خارجی دولت آقای روحانی با محوریت «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام)، به شش دوره قابل تقسیم است: ۱) از آغاز کار دولت (۹۲/۰۵/۱۳) تا انعقاد برجام (۹۴/۰۴/۲۳)؛ ۲) از انعقاد برجام تا روی کار آمدن دولت ترامپ (۹۵/۱۱/۰۱)؛ ۳) از روی کار آمدن ترامپ تا خروج آمریکا از برجام (۹۷/۰۲/۱۸)؛ ۴) از خروج آمریکا از برجام تا شکست طرح اینستکس؛ ۵) از شکست مذاکرات با اروپا تا پیروزی جو بایدن؛ ۶) پیروزی بایدن و تلاش برای احیای برجام.

بنابراین، سؤال این مقاله عبارت است از: «سیاست خارجی دولت روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰)، تا چه حدی تأمین‌کننده منافع ملی ج.ا. ایران بوده است؟». یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، «سیاست خارجی روحانی - به علت تک‌بعدی بودن و تمرکز زیاد بر مذاکرات هسته‌ای و عدم موازنه‌بخشی

موفق (موازنه ناکافی) در سطوح داخلی و خارجی پس از خروج آمریکا از برجام - موفق نشد تا سطح قابل قبولی از اهداف و منافع ملی ج.ا.ایران را تامین نماید.»
 سازماندهی تحقیق نیز بدین قرار است که پس از بیان چارچوب مفهومی (منافع ملی)، مروری بر فرآیند مناقشه هسته‌ای ایران در دولت‌های احمدی‌نژاد و خاتمی صورت پذیرفته است. در ادامه، سیاست خارجی روحانی به صورت روندی توصیف شده و در نهایت، در بخش ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی، آثار و نتایج آن بر منافع ملی ج.ا.ایران (در ابعاد اقتصادی، امنیتی، فرهنگی - هویتی و اجتماعی)، برابر روندهای شش‌گانه، مورد تبیین قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش‌ها در این حوزه نشان می‌دهد، سیاست خارجی دولت روحانی عمدتاً از منظر گفتمانی و ادراکی، مورد ارزیابی و «تحلیل و بررسی» قرار گرفته است. دهقانی فیروزآبادی در کتاب «چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دولت بازرگان تا دولت روحانی»، به سیاست خارجی دولت روحانی نیز از منظر گفتمانی پرداخته است. از نظر او، گفتمان سیاست خارجی دولت یازدهم، تحت عنوان «اعتدال‌گرایی» با ویژگی «ایجاد تعادل و توازن بین آرمان و واقعیت از طریق تلفیق آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی» در سیاست خارجی است. او به نقل از روحانی این گفتمان را «آرمان‌خواهی واقع‌بینانه» یا «آرمان‌گرایی واقع‌بین» می‌نامد. از نظر دهقانی فیروزآبادی «عناصر و دقایق گفتمان اعتدال‌گرایی» شامل آرمان‌گرایی، واقع‌بینی، عقل‌گرایی متوازن، تکلیف‌گرایی معطوف به نتیجه (نتیجه‌گرایی مبتنی بر ادای تکلیف)، تکامل‌گرایی موثر و سازنده، امنیت‌طلبی مثبت، منزلت‌طلبی، صلح‌طلبی مثبت، عدالت‌گرایی، تحول‌گرایی بین‌المللی، کمال‌گرایی، توسعه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی متوازن می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۱۹۵-۱۷۴).

محمد جواد ظریف در مقاله‌ای تحت عنوان «ایران واقعاً به دنبال چه چیزی است: سیاست خارجی در دوران روحانی^۱»، به سیاست خارجی دولت روحانی در چارچوب «چندجانبه‌گرایی» پرداخته است. این رویکرد از نظر او مستلزم برقراری موازنه‌ای هوشمند میان نیازهای ملی، منطقه‌ای و جهانی و ابزارها و امکانات در دسترس ج.ا.ایران است (Zarif, 2014).

1. What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era

رسولی ثانی آبادی در مقاله «تجزیه و تحلیل تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از منظر فردگرایی تفسیری (۱۳۹۲-۱۳۹۴)»، به ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران و پیشبرد مذاکرات هسته‌ای در چارچوب نظریه‌های ادراکی پرداخته است. از نظر او، با تغییر نخبگان و حاکم شدن «گفتمان اعتدال» در دوره ریاست جمهوری روحانی، چرخشی بزرگ در سیاست خارجی ج.ا. ایران روی داد که در نتیجه آن توافق هسته‌ای میان ایران و قدرت‌های بزرگ شکل گرفت. رسولی ثانی آبادی این تحولات و توافق را به تغییرات ناشی از برداشت متفاوت نخبگان تصمیم‌گیرنده بویژه حسن روحانی و محمد جواد ظریف از نقش ملی و ایجاد روایت جدید در ارتباط با منزلت مطلوب ایران، ادراکات متفاوت از عوامل ساختاری از جمله تحریم‌های هسته‌ای و نهایتاً بازنمایی متفاوت از «دیگری غرب» به خصوص آمریکا، پیوند می‌دهد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۹).

محمودخانی و کشیشیان در اثر خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه ۱۳۹۴-۱۳۸۴»، گفتمان دولت دهم را «عدالت‌محور» و دولت روحانی را «اعتدال» ذکر کرده‌اند. نویسندگان به تأثیر این رویکردهای گفتمانی بر «امنیت منطقه خاورمیانه» پرداخته و اینگونه استدلال می‌کنند که گفتمان عدالت‌محور دولت دهم تلاش کرده تا هژمونی فکری خود را از طریق سیاست ارشادی بر منطقه خاورمیانه اعمال کند؛ در حالی که گفتمان اعتدال با تعریف متوازی از هویت ملی و سایر عناصر مهم گفتمان خود در رویکردی تعاملی و تعدیل سیاست‌های تهاجمی قبلی، سعی در کاهش شکاف‌های موجود در منطقه داشته است (محمودخانی و کشیشیان، ۱۳۹۵).

از نظر محمد محمودی کیا در مقاله «منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی»، پیروزی حسن روحانی در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران و ظهور جریان موسوم به اعتدال‌گرایی منجر به بروز گونه متفاوتی از کنش در عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران شد. او برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) را به عنوان یک موفقیت و دستاورد عینی اتخاذ رویکرد اعتدال‌گرایی و نشان‌دهنده تغییر راهبرد و الگوی اقدام جمهوری اسلامی در عرصه سیاست خارجی دانسته است. محمودی کیا، منطق اقدام در عرصه سیاست خارجی دولت یازدهم را متأثر از راهبرد چندجانبه‌گرایی دانسته که در چارچوب یک جهان‌نگرش خاص و ملهم از بن

نگرش های دینی و ارزشی محیط سیاسی داخلی، بر اساس ویژگی ضد هژمونیک گرایي انتظام یافته است (محمودی کیا، ۱۳۹۷).

«پرمیسلاو اوزیویچ»^۱ در مقاله‌ای با عنوان «ایدئولوژی و بنیادگرایی در سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی»^۲، به شناسایی میزان تداخل ایدئولوژیک و بنیادگرایی (پابندی دقیق به اصول اساسی) در سیاست خارجی ایران در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی پرداخته است. از نظر او بنیان‌ها ایدئولوژیک ج.ا. ایران بر مبنای گرایش‌های مذهب تشیع و اندیشه‌های امام خمینی ره، شکل گرفته است. او در این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که اگر همه مفروضات کلیدی ایدئولوژیک ناشی از مذهب تشیع و خمینیسم را که از سال ۱۹۷۹ در ایران حاکم بوده است، در نظر بگیریم، بر سیاست خارجی دولت روحانی، ایدئولوژی به اندازه دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ غالب نیست. از این رو «میزان تداخل ایدئولوژیک و بنیادگرایی در سیاست خارجی کنونی جمهوری اسلامی ایران پایین است» (Osiewicz, 2019: 119).

اکبرزاده و کاندویت، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی رئیس جمهور روحانی»^۳، به سیاست خارجی روحانی از جنبه گفتمانی پرداخته‌اند. آن‌ها با اشاره به اینکه سیاست خارجی ج.ا. ایران همواره میان دو نوع نگرش گفتمانی «آرمان‌گرایی انقلابی» و «واقع‌گرایی عمل‌گرایانه» در جریان بوده، با برجسته کردن نقاط «واقع‌گرایی عمل‌گرایانه»، به مسائل و مشکلات پیشروی دولت روحانی و نیز ترسیم نقش جهانی و منطقه‌ای ایران در دوره پیش‌روی ریاست جمهوری روحانی پرداخته‌اند. نویسندگان همچنین با تمرکز بر عناصر تداوم و محرک‌های داخلی و خارجی تغییر، به بررسی نقش منطق‌ای و جهانی سیاست خارجی دولت یازدهم پرداخته‌اند (Akbarzadeh and Condit, 2016).

حیب اله ابولحسن شیرازی و مهدی لکزی در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره روحانی» در پاسخ به سوال «جایگاه منافع ملی چه تأثیری بر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در دوره روحانی داشته است؟» بر این نظرند که می‌شود جایگاه منافع ملی ج.ا. ایران در دوره روحانی را در چارچوب سازه‌نگاری مورد ارزیابی قرار داد.

1. Przemyslaw Osiewicz

2. Ideologizing and Fundamentalism in Iranian Foreign Policy under the Hassan Rouhani Presidency

3. Iran in the World: President Rouhani's Foreign Policy

از نظر نویسندگان، «تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران در برخورد با قدرت‌های بزرگ بر پایه اجماع داخلی و حاکمیت مردم‌سالاری به تعریف مجدد منافع ملی ج.ا. ایران در دوران ریاست جمهوری روحانی، منجر گردید.» (ابولحسن شیرازی و لکزی، ۱۳۹۴: ۴۹).

آثار خارجی و داخلی‌ای بسیاری در رابطه با سیاست خارجی دولت روحانی وجود دارد. در بررسی این آثار وجه گفتمانی ارزیابی سیاست خارجی روحانی بسیار برجسته است. همچنین داوری اغلب نویسندگان بر مبنای انعقاد برجام (مقطع زمانی ۱۳۹۲ تا اردیبهشت ۱۳۹۷) صورت پذیرفته است. در بررسی گفتمانی چون عمدتاً بر اقوال تصمیم‌گیران سیاست خارجی دولت یازدهم و دوازدهم (روحانی و ظریف) تأکید شده، از ارزیابی آثار و نتایج سیاست خارجی این دولت مبتنی بر کردارها، غفلت شده است. از این رو، سیاست خارجی روحانی تحت عناوین «چندجانبه‌گرایی»، «اعتدال» و «تعامل سازنده» نام‌گذاری و مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. از منظر توافق هسته‌ای (برجام) نیز اکثر نویسندگان به همین نتایجی می‌رسند که نویسندگان دیگر از جنبه گفتمانی به آن دست یافته بودند.

چارچوب مفهومی

«منافع ملی»^۱ یکی از مفاهیم اساسی و پر مناقشه در زمینه سیاست خارجی و در میان نظریه‌های روابط بین‌الملل است. این مفهوم، ابتدا از سوی سیاستمداران به‌عنوان مبنای رفتار سیاست خارجی بکار رفت و پس از جنگ جهانی دوم، عمدتاً در چارچوب نظریه‌های واقع‌گرایانه به‌ویژه واقع‌گرایی کلاسیک مورد ارزیابی و پردازش نظری قرار است. البته پیش از نظریه‌پردازان واقع‌گرایی کلاسیک، چارلز بیبرد و همکارش در کتاب «اندیشه منافع ملی: مطالعه تحلیلی در سیاست خارجی آمریکا»^۲، مفهوم منافع ملی را وارد متون علمی نمودند (Beard and Smith, 1934). در این میان، تعاریف افرادی همچون مورگنتا^۳، کنان^۴ و کیسینجر^۵ از منافع ملی به‌عنوان مفهومی کانونی، در تحلیل و تبیین سیاست خارجی، مطمح نظر قرار گرفت.

1. National Interest
2. The Idea of National Interest: An Analytical Study in American Foreign Policy
3. Hans J. Morgenthau
4. George F Kennan
5. Henry Kissinger

جرج کنان، منافع ملی را اصل هدایتگر سیاست خارجی دانسته و به دولتمردان توصیه می‌کند تا منافع بلندمدت را در نظر گیرند (Kennan, 1957). هنری کیسنجر مفهوم منافع ملی را در پیوند با بقای ملی قرار می‌دهد. از نظر او باید منافعی را در سیاست خارجی پی‌جویی نمود که بقای ملی را تضمین کند. مورگنتا بیش از کنان، کیسنجر و دیگر نظریه‌پردازان واقع‌گرایی به مفهوم منافع ملی پرداخته است. او در کتاب «سیاست میان ملت‌ها»^۱، منافع ملی را به‌عنوان اصل تعیین‌کننده در تبیین سیاست خارجی برجسته نموده است. مورگنتا میان قدرت، منافع ملی و سیاست خارجی، رابطه‌ای مستقیم و ایجابی برقرار می‌کند. از نظر او، سیاست خارجی معطوف به کسب قدرت برای تأمین منافع ملی است (مشیرزاده، ۱۳۹۷: ۱۵-۱۴). از این رو، مورگنتا معتقد است دستیابی به منافع ملی در صورت داشتن میزان بالایی از قدرت، میسر می‌شود. قدرت نیز عمدتاً در معنایی عینی شامل منابعی می‌شود که کنترل بر دیگر دولت‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. بر این اساس، مورگنتا بیان می‌کند: «فرض ما بر این است که دولتمردان بر اساس مفهوم منافع در چارچوب قدرت تفکر و رفتار می‌کنند. شواهد تاریخی نیز مؤید این فرض است.» (مورگنتا، ۱۳۹۳: ۷).

در مقابل واقع‌گرایان، نظریه‌های تصمیم‌گیری^۲ و ادراکی^۳، منافع ملی را در چارچوب جنبه‌های ذهنی و شناختی و ارجحیت‌های تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی می‌دانند. در واقع چون این نظریه‌ها بر انگاره‌ها، اعتقادات و ارزش‌ها و برداشت‌ها و سوء برداشت‌ها نخبگان و تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی تمرکز دارند، منافع ملی رهیافتی ذهنی پیدا می‌کند. در میانه برداشت‌های عینی‌گرایی و ذهنی‌گرایی نیز، رویکرد بیناذهنی‌گرایی قرار می‌گیرد. در این رهیافت، منافع ملی به‌عنوان یک «برساخته اجتماعی»^۴ بر اساس ارزش‌هایی تعریف می‌شود که مبتنی بر هویت ملی به‌صورت بین‌الذهانی تکوین یافته و تأمین آن در سیاست خارجی، پیگیری می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۶: ۲۰۵-۲۰۴).

بنابراین با عنایت به تنوع رهیافتی در باب منافع ملی، تعریفی واحد از این مفهوم وجود ندارد. به نظر می‌رسد ترکیب این رویکردها، به تعریفی جامع از منافع ملی بینجامد. این تعریف هم می‌تواند منافع عینی و هم منفعت ذهنی و هویتی - هنجاری را در برگیرد. در همین پیوند، دهقانی

1 Politics Among Nations

2 Decision Theories

3 Perceptual Theories

4 Social Construct

فیروزآبادی منافع ملی را به این نحو تعریف می‌کند: «مهم‌ترین انگیزه‌ها و ارزش‌ها، عالی‌ترین اهداف و حیاتی‌ترین نیازهای هر کشور که به کنش و رفتار سیاست خارجی آن در عرصه بین‌المللی شکل داده و آن را هدایت می‌کند. به عبارت دیگر، منافع ملی عبارت است از آماج، آمال و انگیزه‌های اساسی، ارزش‌ها و نیازهای حیاتی ادراکی هر کشور و ملت در ارتباط با سایر بازیگران بین‌المللی که محیط خارجی آن را تشکیل می‌دهند.» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۴۱-۱۴۰).

چنانچه تعریفی ترکیبی مورد نظر قرار گیرد، می‌توان عناصر منافع ملی را نیز به صورت موسع در نظر گرفت. به نحوی که منافع مادی - فیزیکی و هویتی - هنجاری را شامل می‌شود. در رابطه با منافع مادی - فیزیکی، علاوه بر ابعاد نظامی - امنیتی (آنچه واقع‌گرایان بر آن تأکید دارند) منافع اقتصادی نیز در اولویت سیاست خارجی قرار می‌گیرد. پیرامون منافع هویتی - هنجاری بحث از «امنیت هستی‌شناختی» به میان می‌آید. این مفهوم، برابر آراء افرادی همچون الکساندر ونت و جنیفر میتزین، به این معناست که دولت‌ها - همچون امنیت و منافع فیزیکی - از نظر هویتی نیز به دنبال کسب امنیت و منافع خود هستند (Wendt, 1999: 131; Mitzen: 2004: 2-3). از این دیدگاه، هویت و پاسداشت آن (حفظ عزت) بخشی از منافع دولت‌ها به شمار می‌رود. بر این اساس عناصر و مولفه‌های منافع ملی را نیز می‌توان در ابعاد مختلف به‌ویژه در عرصه‌های نظامی - امنیتی، اقتصادی و هنجاری - هویتی جست‌وجو نمود.

لازم به توضیح است؛ برای یک نظام سیاسی همچون ج.ا. ایران - که دولتی انقلابی و دینی محسوب می‌شود - امنیت و منافع هستی‌شناسی (هویت و هنجارهای دینی) همچون امنیت و منافع فیزیکی، پراهمیت است. چنانچه در شاخص‌هایی که برای منافع ملی ج. ایران از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، عنوان شده، نقش عوامل و متغیرهای هویتی - در کنار منافع مادی در تعریف منافع ملی ج.ا. ایران، بسیار برجسته است. شاخص‌ها و مضامین پایه‌ای منافع ملی از منظر مقام معظم رهبری، به این قرار است: «حفظ منافع ملی در گروی وحدت کلمه مسئولان کشور»، «اتحاد در مواجهه با دشمن»، «ارتش و سپاه حامی منافع ملی»، «ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی و گروهی»، «تعریف منافع ملی به دور از دخالت‌های خارجی»، «تعریف منافع ملی درست در نقطه مقابل منافع دشمنان»، «استقلال دادن انقلاب به تعریف منافع ملی»، «منافع ملی؛ ملاک

1. Ontological Security

تصمیم‌گیری دولت‌ها»، «لزوم توجه به منافع ملی در تصمیم‌گیری‌ها»، «لزوم توجه به منافع ملی در جذب سرمایه خارجی»، «قطع دست تجاوزگر به منافع ملی»، «لزوم دفاع قاطع از منافع ملی»، «وظیفه ملت در حراست از منافع ملی» و «لزوم توجه به هویت اسلامی و ایرانی در تصمیم‌گیری‌ها». (گوهری مقدم و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۲۱).

از سوی دیگر انتخاب اصول سه‌گانه سیاست خارجی ج.ا. ایران از سوی مقام معظم رهبری، مؤید توجه هم‌زمان به منافع مادی و هویتی است. ایشان، اصول نظام را منبع مصلحت ملی و جمعی کشور دانسته و با تأکید بر حفظ سه اصل «عزت، حکمت و مصلحت» در چارچوب ارتباطات بین‌المللی می‌فرمایند: «عزت، حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰). اصول سه‌گانه «عزت، حکمت و مصلحت»، حاوی عناصر مادی و معنایی به طور هم‌زمان است. بنابراین در این مقاله سعی شده تا تأثیر سیاست خارجی دولت روحانی بر منافع جمهوری اسلامی ایران (در معنایی موسع) در عرصه‌های اقتصادی، هنجاری-هویت و اجتماعی در سطوح داخلی و منطقه‌ای ج.ا. ایران، مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد.

سیاست خارجی دولت روحانی

با عنایت به اینکه سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوران روحانی با پرونده هسته‌ای و انعقاد برجام آغاز و با تلاش برای احیای این توافق (پس از خروج آمریکا از برجام)، پایان یافت؛ ضروری است تا پیش از پرداختن به سیاست خارجی دولت روحانی، مروری بر آغاز امنیتی شدن پرونده هسته‌ای ایران صورت پذیرد.

مروری بر پرونده هسته‌ای ج.ا. ایران (۱۳۸۱-۱۳۹۲)

نقطه آغاز مناقشه بر سر پرونده هسته‌ای ج.ا. ایران با کنفرانس خبری نمایندگان سازمان منافقین در هتل ویلارد واشنگتن که خبر از وجود دو سایت هسته‌ای در دست احداث (غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب‌سنگین در اراک) در ۲۳ مرداد ۱۳۸۱، می‌دادند. چند ماه پس از این رویداد، شبکه خبری CNN در ۱۳ دسامبر ۲۰۰۲ (۲۲ آذر ۱۳۸۱)، از نیروگاه‌های نطنز و اراک تصاویری را ارائه داد و ایران را به ساخت سلاح اتمی در این دو نیروگاه متهم نمود (Ensor, 2002). بعد از انعکاس

این اخبار و موضع‌گیری‌های عدیده توسط رسانه‌های گروهی، محمد البرادعی مدیرکل آژانس در اوایل بهمن ماه ۱۳۸۱ پس از بازدید از ایران اعلام کرد آنچه که در ایران مشاهده نموده، موضوع غیرمنتظره‌ای نبوده و برنامه هسته‌ای ایران صلح‌آمیز است. اما برخی از کشورها به‌ویژه آمریکا و رژیم اسرائیل اظهارات تند و بهانه‌جویانه‌ای از خود بروز دادند تا این که البرادعی، مدیرکل وقت «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی»^۱ در ۲۶ خرداد ۱۳۸۲ (ژوئن ۲۰۰۳) گزارشی از فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارائه داد. این گزارش، ضمن اعلام و انتقاد از ایران به علت عدم اعلام برخی از فعالیت‌های هسته‌ای خود، از ایران خواسته شد تا پروتکل الحاقی ۲+۹۳ را امضا کند. در همین پیوند، شورای حکام نیز در پایان آن نشست در ۲۸ خرداد، از ایران خواست تا به امضای پروتکل الحاقی مباردت نماید. همچنین مقرر شد مدیرکل آژانس، گزارشی دیگر به نشست شهریور ماه ۱۳۸۲ شورای حکام ارائه دهد. شورا نیز پس از بحث و بررسی گزارش مدیرکل در نشست ۲۱ شهریور ۱۳۸۲، قطعنامه‌ای تصویب و از ایران خواست تا این اقدامات را تا نهم آبان ۱۳۸۲ به عمل آورد: ۱. متوقف ساختن بی‌درنگ و کامل غنی‌سازی اورانیوم؛ ۲. امضای فوری پروتکل الحاقی ۲+۹۳؛ ۳. اعلام ریز برنامه هسته‌ای به آژانس (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۴: ۵۴-۵۲).

به دنبال آن ایالات متحده آمریکا تبلیغات تخریبی را علیه ایران به کار گرفت و اعلام نمود که این کشور بایستی به «پیمان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای»^۲ پایبند و بدون پیش‌شرط، پروتکل الحاقی را امضاء نماید (ابوالحسن شیرازی و زارعی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). این رویکرد دولت بوش، به‌ویژه پس از اوج گرفتن سیاست جنگی آمریکا (مارس ۲۰۰۳) در منطقه خلیج فارس شدت گرفت. با حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام حسین، این فرضیه در میان نومحافظه‌کاران تیم بوش از جمله رامسفلد، وزیر دفاع وقت آمریکا، تقویت گردید که هدف بعدی آن‌ها بایستی ایران باشد. لذا آمریکا و اسرائیل در این مقطع تلاش کردند تا با امنیتی کردن پرونده هسته‌ای ایران و ارجاع آن به شورای امنیت، به دنبال سناریوی عراقیزه کردن ایران باشند. در چنین شرایطی دولت خاتمی به منظور تعدیل فشارهای آمریکا و درعین حال، پیشبرد سیاست‌های هسته‌ای ایران، به سمت مذاکره با قدرت‌های اروپایی رفت. در همین پیوند، ایران ضمن تأکید بر تعهد به استفاده صلح‌آمیز از

1. International Atomic Energy Agency
2. Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons

انرژی هسته‌ای با قرار دادن سه قدرت اروپایی (انگلستان، فرانسه و آلمان) به‌عنوان طرف‌های اصلی، مذاکرات دیپلماتیک برای حل و فصل پرونده هسته‌ای را به پیش برد (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۳۴). حمید مولانا و منوچهر محمدی، مهم‌ترین اهداف دولت خاتمی در این مقطع زمانی برای پیشبرد مذاکرات هسته‌ای را به این نحو برشمردند: «۱. خارج کردن پرونده اتمی ایران از دستور کار آژانس؛ ۲. عدم ارجاع پرونده به شورای امنیت؛ ۳. اعلام پایبندی به تعهدات و پادمان‌های آژانس؛ ۴. ایجاد شکاف بین دیدگاه‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا؛ ۵. استفاده از امکانات آژانس در تکمیل چرخه سوخت اتمی.» (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۹۶).

بر این اساس، دولت خاتمی به منظور «اعتمادسازی، شفاف‌سازی و خنثی کردن اتهامات آمریکا» وارد گفتگو و مذاکره با تروئیکای اروپا شد و خروجی آن به سه توافق‌نامه سعدآباد، بروکسل و پاریس منتهی شد. اما با وجود انجام کلیه تعهدات از سوی ج.ا. ایران از جمله «تعلیق داوطلبانه غنی‌سازی، امضای پروتکل الحاقی و اجرای آن، موافقت با بازرسی‌های سرزده و بی-شمار و فراتر از پروتکل الحاقی حتی با بازدید بازرسان آژانس از مجموعه نظامی - صنعتی کلاهدوز در اکتبر ۲۰۰۴ و بازرسی‌ها از مجموعه لویزان در ژوئن ۲۰۰۴ و سایت نظامی پارچین در ژانویه ۲۰۰۵ م، اروپایی‌ها نه تنها به تعهدات خود همچون دسترسی ایران به فناوری‌های نوین، عادی‌سازی پرونده ایران در نشست ژوئن ۲۰۰۴ آژانس انرژی اتمی و ... عمل نکرد، بلکه با طولانی کردن مذاکرات، درصدد برآمد ایران را از داشتن چرخه سوخت که بر اساس پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای حق مسلم ایران به شمار می‌رفت، محروم کند. ضمن اینکه پس از مدتی اتحادیه اروپا خود به یکی از طرفین دعوی تبدیل شد و به حمایت قاطعانه از آمریکا برخاست.» (منصوری مقدم و اسمعیلی، ۱۳۹۰: ۲۹۴-۲۹۳).

با روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴، خط مشی ایران در خصوص برنامه هسته‌ای بر سه اصل بنیان نهاده شد: «۱- نگاه به بازیگرانی جدید نظیر چین و روسیه و خارج کردن انحصار پرونده و مذاکرات از دست سه کشور اروپایی؛ ۲- خارج کردن پرونده از مجاری صرفاً سیاسی و قرار دادن آن در چارچوب معاهده‌های حقوقی در دایره آژانس بین‌المللی بر اساس اسناد چهارگانه (معاهده NPT، اساسنامه آژانس، پادمان و پروتکل الحاقی)؛ و ۳- قاطعیت در حفظ

چرخه سوخت هسته‌ای و از سرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که به صورت داوطلبانه در دوره اعتمادسازی به حال تعلیق در آمده بود.» (اجاقلو، ۱۳۸۵: ۲۲).

کشورهای اروپایی در مقابل رویکرد هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد، واکنش‌های منفی ابراز داشتند و تهدید کردند که روند ورود آمریکا به پرونده هسته‌ای را تسهیل خواهند نمود. از این حیث، سناریوی ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت پی‌جویی شد. در این میان، اگرچه رایزنی‌هایی از سوی ایران با چین و روسیه صورت پذیرفت؛ اما این دو کشور بیانیه نشست دوم لندن را برای گزارش به شورای امنیت امضا کردند. پس از انتشار این گزارش، احمدی‌نژاد بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به رئیس سازمان انرژی اتمی دستور برداشته شدن تمام تعلیقات داوطلبانه را اعلام نمود (فلاحی ۱۳۸۶: ۷۰-۶۹). در همین پیوند، نامه‌ای مبنی بر رفع تعلیق به مدیرکل آژانس اتمی ارسال شد. با وجود این، شورای حکام آژانس اتمی سومین قطعنامه علیه ایران را با اجماع و خلاف رویه‌های معمول تصویب نمود. در تداوم این روند، مدیرکل آژانس اتمی نیز پرونده را به شورای امنیت ارجاع و اعضای شورای امنیت راه مذاکره با ایران را در پیش گرفتند؛ اما دولت احمدی‌نژاد بر حفظ حقوق هسته‌ای ایران تأکید و هرگونه مصالحه‌ای که منتهی به تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای شود را رد نمود (فرزانه‌پور و زنگنه، ۱۳۸۸: ۱۴۷-۱۴۶). بر این اساس، با رد طرح تروئیکای اتحادیه اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) موسوم به «چهارچوبی برای توافقات بلندمدت»^۱ از سوی ایران و از سرگیری رسمی فعالیت‌های غنی‌سازی در تاریخ ۴ آگوست ۲۰۰۵، در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۵ با تلاش‌های آمریکا و رژیم اسرائیل، پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت ارجاع داده شد که به دنبال آن ۱ بیانیه و ۶ قطعنامه علیه ایران صادر گردید (سلطانی‌نژاد و شاپوری، ۱۳۹۲: ۱۲۲-۱۲۱). پس از صدور قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران، دولت وقت جمهوری اسلامی ایران نیز با بی‌اعتبار دانستن و غیر مشروع خواندن اقدامات درخواستی از سوی شورای امنیت سازمان ملل در ابعاد حقوقی و سیاسی، به شدت با آن به مخالفت پرداخته و در سطح اقدامات عملی نیز به فعالیت‌های غنی‌سازی خود ادامه داده و در ادامه احمدی‌نژاد مجتمع آب‌سنگین اراک را علی‌رغم وجود فشارهای بین‌المللی در تاریخ ۲۶ اوت ۲۰۰۶ (۴ شهریور ۱۳۸۵) افتتاح کرد (Iran nuclear project forges ahead, 2006). در مقابل، محمد البرادعی

1. Framework for a Long-time Agreement

در گزارش خود به شورای امنیت سازمان ملل، اعلام کرد که ایران از اجرای مفاد «قطعنامه ۱۷۴۷» سرپیچی کرده و نه تنها غنی‌سازی اورانیوم را متوقف نکرده، بلکه آن را نیز گسترش داده است. این روند نیز باعث صدور قطعنامه بعدی (قطعنامه تحریمی ۱۸۰۳) شورای امنیت علیه ایران شد (دارمی، ۱۳۸۷: ۱۵).

ج.ا. ایران از این مقطع تا نزدیک پایان ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، ضمن پیشبرد و توسعه فعالیت‌های هسته‌ای (غنی‌سازی ۲۰ درصدی، رساندن تعداد سانتریفیوژها به ۱۹ هزار عدد، توسعه مراکز هسته‌ای از جمله در فردو و ...) مذاکرات آشکار و پنهانی را از سر گرفت. مذاکرات هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد با گروه ۵+۱ (آمریکا، انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان)^۱ از سال ۱۳۸۷ تا فروردین ۱۳۹۲ ادامه داشت؛ سه دوره در ژنو (از تیر ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۸۹)، دو دوره در استانبول (بهمن ۱۳۸۹ و فروردین ۱۳۹۱)، یک دوره در بغداد (خرداد ۱۳۹۱) و دو دوره در آلمانی قزاقستان (اسفند ۱۳۹۱ و فروردین ۱۳۹۲). همچنین در اواخر دولت احمدی‌نژاد مذاکراتی پنهان میان ایران و آمریکا در مسقط صورت پذیرفت که به نوعی پیش مذاکراتی برای مذاکرات دولت روحانی و اعضای ۵+۱ شد (Los Angeles Times, 2013).

به طور کلی، با مروری بر پیشنهادها ارائه شده در این مذاکرات به جمهوری اسلامی ایران، محورهای مشترکی در همه آنها مطرح گردیده که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: ۱. پیشنهاد تعلیق در برابر تعلیق^۲؛ ۲. ارائه سوخت به دولت ایران در ازای توقف فعالیت‌های مربوط به چرخه سوخت؛ ۳. همکاری کامل ایران با نهادهای جامعه بین‌المللی از جمله آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت؛ و ۴. از سرگیری اجرای پروتکل الحاقی و تصویب هرچه زودتر آن توسط مجلس ایران. در مقابل این طرح‌های پیشنهادی، دولت احمدی‌نژاد با تأکید بر عناصر سیاست هسته‌ای خود مبنی بر نپذیرفتن «تعلیق در برابر تعلیق» و همچنین تأکید «بر دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای»، به رد این پیشنهادها پرداخته و با تأکید بر محورهای «عدل» و «استقلال» در این

۱. از ژانویه ۲۰۰۶، سه کشور چین، روسیه و آمریکا به اعضای تروئیکای اروپا (انگلیس، فرانسه و آلمان) جهت مذاکره با ایران، پیوستند.

2. Suspension for suspension

مورد، سیاست و رویکردی مقاومت‌جویانه را در بعد هسته‌ای پیگیری کرد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۰: ۸۰-۷۹).

روند سیاست خارجی دولت روحانی (۱۴۰۰-۱۳۹۲)

در این بخش، سیاست خارجی دولت آقای روحانی مبتنی بر شش دوره تقسیم شده، مورد بررسی قرار گرفته است.

دوره اول: از آغاز کار دولت تا انعقاد برجام

در اولین سفر روحانی به سازمان ملل (۳۱ شهریور ۲۲/۱۳۹۲ سپتامبر ۲۰۱۳) برای شرکت در اجلاس سران، وزرای خارجه ایران و اعضای گروه ۱+۵ با حضور کاترین اشتون، نماینده وقت اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و امور امنیتی، نشستی در نیویورک به تاریخ ۵ مهر ماه (۲۷ سپتامبر) جهت بررسی راهکارهای دیپلماتیک حل موضوع هسته‌ای برگزار کردند. در پایان این نشست - که به نوعی پیش مذاکره‌ای برای مذاکرات آتی بود - مقرر شد تا مذاکرات هسته‌ای در ژنو سوئیس به تاریخ ۲۳ و ۲۴ مهر ماه (۱۵ تا ۱۷ اکتبر)، آغاز شود. لازم به ذکر است، در سفر روحانی و ظریف به نیویورک، برای اولین بار پس از انقلاب، ظریف و جان کری، وزرای خارجه وقت ایران و آمریکا با یکدیگر ملاقات کردند. همچنین حسن روحانی و باراک اوباما نیز به صورت تلفنی مکالمه‌ای ۱۵ دقیقه‌ای داشتند (دهقانی فیروزآبادی و عطایی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

در نشست «ژنو ۱» (۲۳ و ۲۴ مهر ماه/۱۵ تا ۱۷ اکتبر) بنا شد تا کارشناس‌های هسته‌ای، علمی و امور تحریم ایران و ۱+۵ پیش از نشست آتی (۱۶ و ۱۷ آبان/۷ و ۸ نوامبر)، برای حل و فصل اختلاف دیدگاه‌ها و تدوین گام‌های دوجانبه، با یکدیگر دیدارهایی داشته باشند. در نهایت بعد از گفتگوهای فشرده، ایران و طرفین مذاکراتی به توافق موقت ژنو در تاریخ ۳ آذر ماه ۱۳۹۲ (۲۴ نوامبر ۲۰۱۳) دست یافتند. برابر این توافق، ایران محدودیت‌هایی بر برنامه هسته‌ای خود از جمله کاهش غنی‌سازی اورانیوم به ۵ درصد را پذیرفت و در ازای آن ضمن تثبیت و شناسایی حقوق هسته‌ای ایران برخی تحریم‌ها برداشته و مقداری از سرمایه‌های بلوکه شده ایران آزاد شد (نوربخش و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۱۷).

توافق موقت ژنو، ۶ ماهه و البته قابل تمدید اعلام گردید. ۱۵ ماه پس از توافق «برنامه اقدام مشترک در ژنو»^۱ و پایبندی طرفین به تعهدات مندرج در آن، ایران و ۱+۵ در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ (۲ آوریل ۲۰۱۵) - پس از چندین دور تمدید توافق ژنو و انجام مذاکرات طولانی و عدیده کارشناسی و در سطح معاونین و وزیر خارجه در وین، لوزان و ژنو - توانستند به یک بیانیه سیاسی با عنوان «مؤلفه‌های برنامه جامع اقدام مشترک»^۲ که در واقع میانی مورد توافق برای پایه‌ریزی متن توافق نهایی بود - دست یابند. از این رو، مذاکرات هسته‌ای تا ۱۱ تیرماه ۱۳۹۴ (۲ جولای ۲۰۱۵)، برای نگارش و تدوین نهایی تفاهات، در لوزان ادامه یافت. در نهایت، آخرین دور از مذاکرات برنامه هسته‌ای میان ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ به مدت بیش از یک ماه ابتدا در سطح کارشناسی، سپس معاونین و در نهایت وزرای خارجه از ۶ تیرماه ۱۳۹۴ (۲۷ ژوئن ۲۰۱۵) تا ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) - منجر به «برنامه جامع اقدام مشترک»^۳ (برجام/JCPOA) شد.

بر اساس «برجام»، مقرر شد ایران ذخایر اورانیم غنی شده ۲۰ درصد خود را [با توجه به نیازش] به میله سوخت و بقیه را به اکسید اورانیم تبدیل و ذخیره‌سازی اورانیم با غنای کم (ذخایر ۳/۶۷ درصد) را تا ۹۸ درصد قطع نموده و تعداد سانتریفیوژهای فعال خود را برای ۱۵ سال به حدود دو سوم کاهش دهد. ایران همچنین موافقت کرد که برای ۱۵ سال بعد از اجرای برجام، اورانیم را بیش از ۳/۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا هیچ تأسیسات غنی‌سازی اورانیم جدید یا راکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. در نتیجه این توافقنامه ایران از تحریم‌های شورای امنیت ملل متحد (بر طبق قطعنامه ۲۲۳۱)، اتحادیه اروپا و ایالات متحده بیرون آمد. سایت نظنز، فردو، مجتمع اراک از جمله مکان‌های بودند که ایران با محدودیت شدیدی در ادامه فعالیت آن‌ها روبه‌رو شد و تعداد سانتریفیوژها در حدود ۶ هزار و تنها نسل اول محدود ماند. فردو بیشتر به مکانی برای تحقیقات هسته‌ای تبدیل و قلب راکتور آب‌سنگین اراک از آن خارج و -در راستای ساخت راکتور با پلوتونیوم تولیدی کمتر اما با ماهیت آب‌سنگین- باز طراحی شود. (عباسی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۰-۱۳۸).

1. Geneva interim agreement on Iranian nuclear program
2. Parameters for a Joint Comprehensive Plan of Action
3. Joint Comprehensive Plan of Action

در این دوره (از آغاز کار دولت تا انعقاد برجام) در سطح منطقه‌ای، تنش‌ها و رقابت منطقه‌ای میان ایران و بلوک تدروی سنی شامل عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین افزایش یافت (Harrison, 2021). از سوی دیگر، در اثر اقدامات داعش و تروریسم و دخالت کشورهای اروپایی، آمریکا و عربستان و متحدان منطقه‌ای آن در کشورهای متحد ایران (عراق و سوریه)، وضعیت عراق و سوریه شکننده شد. اما برابر بررسی کنش‌های اجرایی سیاست خارجی دولت روحانی از جمله در سفرهای خارجی رئیس‌جمهور، توجه و اقدام خاصی در ارتباط با این مسائل وقت جمهوری اسلامی از ناحیه وزارت خارجه، صورت نپذیرفت. روحانی در سال ۱۳۹۲، تنها چهار سفر خارجی (بیشکک قرقیزستان برای شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری شانگ‌های، نیویورک آمریکا به منظور شرکت در شصت و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، داووس سوئیس جهت شرکت در چهل و چهارمین اجلاس مجمع جهانی اقتصاد و دیدار با سلطان و مقامات در مسقط عمان) داشته است. در سال ۱۳۹۳، روحانی هفت سفر بین‌المللی (کشورهای افغانستان، چین، ترکیه، قزاقستان، تاجیکستان، آمریکا و ترکمنستان) انجام داد. در این میان تنها مقصدهای ترکیه، قزاقستان، تاجیکستان و ترکمنستان به منظور دیدارهای دوجانبه صورت پذیرفت و مابقی این سفرها در راستای شرکت در نشست‌های چندجانبه سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. در سال ۱۳۹۴ تا پیش از اعلام توافق «برجام» - تنها سفر رئیس‌جمهور به کشور روسیه جهت شرکت در اجلاس سران سازمان همکاری شانگ‌های، اجلاس بریکس و اجلاس اوراسیا، صورت پذیرفت. در همین راستا، با در نظر داشت مذاکرات ایران و ۵+۱، وزیر خارجه وقت دولت روحانی نیز، بر سفرهای دیپلماتیک مرتبط با به این مذاکرات، متمرکز بود.

دوره دوم: از انعقاد برجام تا روی کار آمدن دونالد ترامپ

بلافاصله پس از انعقاد توافق هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، شروع به اجرایی نمودن تعهدات خود مطابق با مفاد «برجام» نمود. در فاصله زمانی اجرای تعهدات ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز، پرونده موسوم به ابعاد نظامی احتمالی برنامه اتمی ایران (PMD) را خاتمه یافته اعلام کرد و ایران به جمع‌آوری سانتریفیوژها مطابق توافق برجام سرعت بخشید و مبادله اورانیوم غنی شده با سنگ اورانیوم را با روسیه آغاز کرد. از سوی دیگر، قطعنامه ۲۲۳۱ (۲۰۱۵) شورای

امنیت که برجام را مورد تأیید قرار داد، در کنار پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان پی تی)، به‌عنوان تنها چارچوب حقوقی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران معرفی و کلیه مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۷)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸)، ۱۹۲۹ (۲۰۱۰) و ۲۲۲۴ (۲۰۱۵) خاتمه یافته اعلام شدند (Kerr and Katzman, 2018:31).

بر این اساس، در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴، پس از اعلام بیانیه یوکیو آمانو^۱، رئیس وقت آژانس انرژی اتمی، مبنی بر اجرایی شدن تمام تعهدات ایران طرف‌های مذاکره بر اساس متن برجام با اعلام برداشته شدن تحریم‌های مالی و اقتصادی چندجانبه و سازمان ملل مربوط به برنامه هسته‌ای ایران بر همکاری در زمینه استفاده‌های صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، در چارچوب برجام تأکید نمودند. اتحادیه اروپا تأیید کرد است که چارچوب‌های قانونی لازم برای برداشتن تحریم‌های مالی و اقتصادی درباره هسته‌ای ایران را اجرایی کرده است. در همین پیوند، آمریکا اعلام نمود تحریم‌های مصوب مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران که همچنین شامل لغو فرمان‌های اجرایی مربوطه و صدور مجوز برخی فعالیت‌ها، آن‌گونه که در برجام مشخص شده است را همان روز متوقف می‌کند. با اجرایی شدن مفاد برجام، بسیاری از محدودیت‌های اعمالی بر منابع مالی و نفتی ایران و میلیاردها دلار پول بلوکه شده این کشور در خارج، برداشته شد (Hameed, 2017:24-25). در همین پیوند، قراردادهایی عمدتاً در حوزه نفتی و گازی میان ایران و برخی از شرکت‌های اروپایی منعقد شد. همچنین تولید نفت ایران با ۱۸٫۸ درصد رشد، از ۱ میلیون ۱۰۰ هزار بشکه به ۳٫۹۲ میلیون افزایش یافت (Tasnim News Agency, 2016). این مسئله باعث شد تا ایران در سال‌های ۹۵ و ۹۶، رشد اقتصادی مثبتی داشته باشد. از سوی دیگر، در سطح منطقه‌ای اگرچه تنش‌ها با برخی از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی افزایش یافت و حتی به قطع روابط دیپلماتیک منتهی شد، با این وجود، نقش و نفوذ ایران تقویت گردید. عربستان، برجام را موجب به رسمیت شناخته شدن ایران در غرب آسیا می‌داند؛ به زعم حکام این کشور، آمریکا می‌بایست مساله سوریه، عراق، یمن، حمایت از حزب الله و گروه‌های مخالف حکومت بحرین را در این قرارداد می‌گنجاند. از این حیث تغییر راهبرد اوپاما از «مهار ایران به همکاری محدود» در قالب برجام باعث شد تا عربستان به اسرائیل بیش از پیش نزدیک شده و به

1. Yukiya Amano

مخالفت با برجام پیردازد (Kamkar & Najafi Sayar, 2019:56-59). در این دوره همچنین، جهت گیری اقتصادی دولت روحانی عمدتاً در جذب سرمایه گذاری از اروپا به ویژه آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا متمرکز بود. در همین پیوند، سفر روحانی به ایتالیا و فرانسه به تعمیق این رویکرد، منجر شد. در سفر روحانی به ایتالیا قراردادی به ارزش ۱۸/۴ میلیارد دلار امضای شد؛ در سفر رئیس جمهور به فرانسه نیز ۲۰ قرارداد به ارزش ۳۲/۴ میلیارد دلار بسته شد؛ بخش عمده این قرارداد به خرید هواپیماهای ایرباس مربوط می شد. در مجموع، با این دو سفر ۳۷ قرارداد به ارزش حدود ۵۱ میلیارد دلار بسته شد. از سوی دیگر، در راستای سرمایه گذاری در بخش در صنعت نفت ایران، با شرکت هایی چون رویال داچ و توتال فرانسه، تفاهم نامه ها و قراردادهای بزرگ با شرکت ملی نفت ایران در میادین نفت و گاز و توسعه ی فازهای پارس جنوبی صورت پذیرفت.

دوره سوم: از روی کار آمدن ترامپ تا خروج آمریکا از برجام

در اواخر دولت اوباما طرح مهار قدرت و نفوذ ج.ا. ایران به طور جدی از سوی مراکز مطالعاتی آمریکا و مقامات وقت وزارت خارجه از جمله شخص جان کری، پی جویی شد (Sanger, 2016). اما با استقرار ترامپ در سال ۲۰۱۷ در کاخ سفید، ایده مهار قدرت ج.ا. ایران در منطقه، به منزلت هژمونیک و در صدر اولویت های سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. در واقع، با ظهور ترامپ، ایالات متحده استراتژی جدیدی را در سیاست خارجی در قبال مشکلات غرب آسیا اتخاذ کرد که بر برون سپاری نقش ها به متحدان و تجدید مشارکت استراتژیک ایالات متحده با آن ها تأکید داشت. این استراتژی مبتنی بر ترکیب نو انزواطلبی (اول آمریکا) و منطق واقع گرایی (آمریکا را دوباره بزرگ کرد) - که بر کاهش هزینه های ایالات متحده در عین حفظ موقعیت غالب خود در سیستم بین المللی تأکید داشت - برگرفته شد. چنین رویکردی منجر به مشارکت بیشتر عربستان و رژیم صهیونیستی در تأمین امنیت منطقه ای و گسترش رقابت در منطقه به ویژه در مقابل جمهوری اسلامی ایران شد (Kamkar and Najafi Sayar, 2019:57-58). در همین پیوند، دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در اولین سفر خارجی خود به عربستان در نشست مشترک با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شرکت کرد. نشستی که به تأسیس «مرکز هدف گیری تأمین مالی تروریسم» (مرکز استهداف تمویل الارهاب) در ۲۵ اکتبر سال ۲۰۱۷ در ریاض با هدف مقابله با ایران و متحدان منطقه ای آن انجامید (Rappeport, 2017).

از این رو، با روی کار آمدن ترامپ، حملات لفظی به برجام آغاز و مباحثی جهت اصلاح آن مطرح شد و همچنین ادبیات مقامات ارشد دولت آمریکا در قبال ایران و برجام به طور اساسی تغییر کرد. دولت ترامپ با کنار نهادن الگوی رفتار سیاست خارجی دولت قبل در قبال ایران، راهبرد اصلی خود را بر تقابل با ج.ا.ایران قرار داد. راهبردی که بخشی از آن در قالب «تغییر رژیم» پی جویی می‌شد (Axworthy, 2017). از سوی دیگر رفتار تحریمی دولت ترامپ نیز دستخوش تغییراتی شد و پیش یا پس از هر اقدام در راستای عمل به تعهدات برجامی و تمدید تعلیق تحریم‌های ثانویه علیه ج.ا.ایران، یک اقدام تحریمی علیه ایران صورت می‌گرفت تا آثار اقتصادی مثبت بالقوه آن اقدامات بلااثر شود. در این دوره، تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران شدت گرفت و تحریم‌هایی نیز به بهانه حقوق بشر و سایبری علیه ایران وضع شد. تحریم‌ها علیه سپاه ماهیتاً دچار تغییر شد و مجموعه‌های اقتصادی و مالی آن در داخل و خارج هدف تحریم قرار گرفتند. تشکیک در پابندی ایران به تعهدات هسته‌ای توسط دولت آمریکا و تصویب قانون کاتسا توسط کنگره از دیگر تحولات مهم این دوره محسوب می‌شود. در این بازه (از زمان روی کار آمدن ترامپ تا اعلام خروج آمریکا از برجام) در مجموع ۱۲ تحریم علیه ایران وضع شد که طبق آن ۵۱ شخص و ۵۵ نهاد ایرانی به فهرست تحریم‌ها افزوده شدند. همچنین ۱۵ اقدام در راستای تکمیل اجرای تحریم‌ها توسط وزارت دادگستری، بازرگانی و سایر نهادهای مرتبط صورت گرفت.

با کنار رفتن رکس تیلرسون و معرفی مایک پامپئو-رئیس سابق CIA- به عنوان وزیر امور خارجه جدید در مورخ ۱۳ مارس ۲۰۱۸ (۲۲ اسفند ۱۳۹۶) از یک سو و انتصاب جان بولتون به جای ژنرال هربرت مک مستر مورخ ۹ آوریل ۲۰۱۸ (۲۰ فروردین ۱۳۹۷) به عنوان مشاور امنیت ملی، ایالات متحده تهاجمی‌ترین تیم رادیکال سیاست خارجی را تجربه کرد (Sanger, 2018). در نهایت دولت ترامپ (بنا به اعلام مقامات وزارت خارجه این کشور) به منظور توافقی جامع (هسته‌ای، موشکی و منطقه‌ای) با ایران، در ۸ می ۲۰۱۸ رسماً اعلام کرد که آمریکا دیگر در توافق موسوم به برجام نمی‌ماند. ترامپ وضعیت مذاکرات برجام و اجرای آن را ضعیف خواند و آن را «فاجعه‌ای برای {امنیت} اسرائیل» دانست و اقدام خود برای خروج از آن را «خدمت بزرگی برای اسرائیل قلمداد کرد» (Yalon, 2018). اعلام خروج آمریکا از برجام با اتخاذ سیاست «فشار

حداکثری»^۱ در قالب بازگرداندن تحریم‌های اقتصادی همراه با تشکیل یک ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران به رهبری عربستان سعودی همراه شد. چندی پس از اعلام خروج آمریکا از برجام، مایک پامپئو، وزیر خارجه وقت آمریکا، در جریان سخنرانی خود در بنیاد هریتیج ۱۲ شرط را برای ایران جهت توافق جدید آمریکا با ایران، اعلام نمود. به عقیده کارشناسان این دوازده خواسته بیشتر از آنکه مسیری به سمت صلح باشد به بیانیه جنگ شباهت داشت (Trevithick, 2018). در واقع «درخواست‌های حداکثری غیرواقع‌بینانه» جدید مطرح شده از سوی دولت ترامپ در راستای فشار حداکثری بر ایران تلقی می‌شد (Nelson, 2018)؛ امری که می‌توانست منجر به حتی تقابل نظامی ایران و آمریکا شود (Mills, 2018).

در واقع از نظر تیم سیاست خارجی آمریکا - برخلاف دیدگاه دموکرات‌ها - خارج از برجام و با «فشار حداکثری» می‌توانستند به اهداف خود (توافق جامع) در قبال ج.ا. ایران، برسند. از این حیث، دولت روحانی از مقطع روی کار آمدن ترامپ تا اعلام خروج آمریکا از برجام، سیاست خود را در چارچوب «دیپلماسی حذفی» با توسعه روابط با اروپا به منظور حفظ برجام با حضور انگلیس، فرانسه و آلمان، پی‌جویی نمود. در سطح منطقه‌ای نیز، با عنایت به سیاست فشار حداکثری آمریکا، بر تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی افزوده شد. از سوی دیگر، توسعه مناسبات ایران با ترکیه، روسیه و چین در دستور کار وزارت خارجه دولت روحانی، قرار گرفت.

دوره چهارم: از خروج آمریکا از برجام تا شکست طرح اینستکس

با اعلام رسمی خروج آمریکا از برجام، سیاست «دیپلماسی حذفی» (به معنای توسعه روابط با اروپا به منظور حفظ برجام با حضور انگلیس، فرانسه و آلمان با تفکیک روابط آمریکا - اروپا) از سوی دولت روحانی به صورت جدی، پیگیری شد. برابر اعلام رئیس‌جمهور، بنا شد تا ایران با اعضای اروپایی برجام مذاکراتی را در بازه زمانی کوتاه دنبال کند تا در صورت ارائه راهکارهایی از سوی آن‌ها برای بقای «برجام» و تداوم مفاد و تعهدات آن در قبال ایران، تعهدات ایران نیز ادامه یابد. برخلاف برآورد دولت وقت ایران، اروپایی‌ها هم‌زمان با تشدید تحریم‌های اقتصادی آمریکا مذاکرات با ایران را فرسایشی کردند. علاوه بر این اروپایی تلاش کردند تا ایران را برابر خواسته آمریکا، به مذاکرات موشکی و منطقه‌ای وادار نمایند (Erästö, 2017).

1. Maximum pressure

تروئیکای اروپا تنها در ژانویه ۲۰۱۹، اعلام کردند که برای تسهیل تجارت غیر دلاری با ایران، به ایجاد یک کانال مالی تحت عنوان «اینستکس» اِمبادرت کرده‌اند. این روند بی‌عملگی اروپایی‌ها، باعث شد تا شورای عالی امنیت ملی ج.ا. ایران در ۱۸ اردیبهشت ۹۸ - دقیقاً یکسال پس از اعلام خروج آمریکا از برجام - در بیانیه‌ای گام اول (از پنج گام) کاهش تعهدات هسته‌ای را اعلام نماید.

با آغاز کاهش تعهدات هسته‌ای از سوی ایران، آمریکایی‌ها ضمن تعمق بخشی به تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تلاش کردند تا با وساطت «طرف ثالث» با ایران مذاکره و توافق نمایند. به همین منظور ابتدا فرانسه و پس از آن ژاپن و عمان به‌عنوان «میانجی‌گر» انتخاب شدند. فرانسوی‌ها ابتدا با یک بسته پیشنهادی (از جمله صدور معافیت تحریمی برای برخی از خریداران نفت ایران از سوی آمریکا برای مدت زمان محدود و راه‌اندازی یک خط اعتباری با مبلغ ۱۵ میلیارد دلار) سعی داشتند تا ایران را از ادامه توسعه فعالیت‌های هسته‌ای بازدارند و شرایط را برای گفت‌وگوهای دوجانبه میان ایران و آمریکا و مذاکره ایران بر سر مسائل منطقه‌ای و موشکی فراهم نمایند (Hafezi & Irish: 2019).

پس از شکست طرح ماکرون، میانجی‌گری ژاپن آغاز گردید. سفرهای ظریف به ژاپن و سفر ۱ روزه روحانی (۹۸/۰۹/۲۹) به این کشور و همچنین سفر نخست‌وزیر ژاپن به ایران در همین راستا دنبال شد. میانجی‌گری ژاپن نیز با سفر نخست‌وزیر ژاپن و عدم موافقت بسته پیشنهادی این کشور از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی، به پایان رسید. پس از ژاپن، عمان - تا حدودی مشابه بسته‌های پیشنهادی فرانسه و ژاپن - سعی نمود تا شرایط را برای مذاکره دوجانبه میان ایران و آمریکا را فراهم نماید. سفرهای چندباره ظریف به عمان و متقابلاً چندین سفر وزیر خارجه عمان به ایران در همین چارچوب پی‌جویی شد. درنهایت دولت روحانی نیز، در پاسخ به عدم اقدام مناسب از سوی اروپا برای حفظ برجام، در سه مرحله دیگر، به کاهش تعهدات برجامی در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران پرداخت. این مسیر مذاکره با واسطه آمریکا با ایران با ترور سردار سپهبد شهید سلیمانی، به بن‌بست رسید. در همین پیوند، دولت روحانی، دو روز پس از ترور سپهبد شهید سلیمانی از سوی آمریکا، در ۱۵ دی ماه ۱۳۹۸، اقدام به آخرین و پنجمین مرحله از کاهش گام‌های تعهدات هسته‌-

1 Instrument in Support of Trade Exchanges (INSTEX)

ای ایران، نمود. بر اساس گام پنجم، جمهوری اسلامی ایران دیگر هیچ محدودیتی در حوزه عملیاتی از جمله در ظرفیت غنی‌سازی، درصد غنی‌سازی، میزان مواد غنی‌شده، تحقیق و توسعه و تعداد سانتریفیوژها را بر نمی‌تابید.

پس از ترور سپهبد شهید سلیمانی و اعلام گام پنجم از کاهش گام‌های تعهدات هسته‌ای ایران، روند گرایش مذاکره با اروپا برای احیای برجام، تنزل یافت و به‌نوعی ابتکارات اروپایی‌ها از جمله در طرح «اینستکس»، با شکست مواجه شد (Brzozowski, 2020). به‌نحوی که اروپایی‌ها تلاش‌هایی را نیز برای فعال‌سازی «مکانیسم حل اختلاف»^۱، به عمل آوردند. در این مقطع مشابه دوره چهارم، تنش‌ها میان ایران و عربستان سعودی روندی صعودی و سیاست توسعه مناسبات ایران با ترکیه، روسیه و چین، روندی افزایشی داشت. در این میان، مناسبات ایران، روسیه و ترکیه علاوه بر همکاری‌های اقتصادی، بر همکاری منطقه‌ای و در قبال پرونده سوریه، تکوین یافت. لازم به ذکر است، همکاری ایران با قطر در این دوره، بواسطه شکل‌گیری بحران در مناسبات این کشور با محور سعودی، وارد دور جدیدی از تنش‌زدایی ضمن گسترش همکاری‌های اقتصادی شد. همچنین سفر روحانی به عراق، به عنوان اولین و آخرین سفر رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم به یکی از کشورهای محور مقاومت، در این دوره صورت پذیرفت. این سفر، به افزایش مناسبات تجاری میان دو کشور منتهی شد.

دوره پنجم: از شکست مذاکرات ایران با اروپا تا پیروزی جو بایدن

این دوره، از اواخر سال ۹۸ با تضعیف رویکرد تعامل با اروپا برای احیای برجام، آغاز شد. اروپایی‌ها در این مقطع سعی کردند تا با تهدید به فعال‌سازی «مکانیسم حل اختلاف» ج.ا. ایران را وادار به عقب‌نشینی از پیشبرد گام پنجم هسته‌ای نمایند. اگرچه جوزپ بورل، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در نهایت اعلام کرد که اروپا از فعال کردن این مکانیسم منصرف شده و همچنان در تلاش برجام حفظ تلاش خواهند کرد. از این‌رو، فرانسه و انگلیس در شورای امنیت با اقدام ترامپ برای فعال‌سازی «مکانیسم حل اختلاف»، مخالفت کردند. اروپایی‌ها همچنین در پیشبرد طرح تحریم تسلیحاتی ایران از سوی آمریکا با این کشور همراهی نکردند. اروپایی‌ها با دولت ترامپ در مورد نحوه مواجهه با ایران و موضوع برجام اختلاف نظر داشتند. از منظر آن‌ها -

1. Snapback

مشابه دموکرات‌ها و در تضاد با تیم سیاست خارجی ترامپ - در درون برجام بهتر می‌توانستند به اهداف خود در قبال ایران و وادارسازی این کشور به پایبندی به تعهدات هسته‌ای و در نهایت انجام مذاکرات منطقه‌ای، موشکی و حقوق بشری با ایران دست یابند. از سوی دیگر برابر نظر سنجی‌هایی که در رابطه با احتمال شکست ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ آمریکا وجود داشت، اروپایی‌ها تلاش داشتند تا مانع خروج کامل ایران از برجام شوند.

وزارت خارجه دولت روحانی نیز با مذاکره با اروپایی‌ها و هشدار به آن‌ها از جمله تهدید به خروج از NPT و سایر تعهدات هسته‌ای، تلاش کرد تا از فعال‌سازی مکانیسم ماشه و تمدید تحریم تسلیحاتی ایران ممانعت به عمل آورد. از سوی دیگر، از آغاز سال ۱۳۹۹ گرایش به شرق-گرایی و به طور خاص توسعه روابط با چین از سوی دولت روحانی تقویت شد. در این میان، با نزدیک شدن به موعد انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۰ (آبان ماه ۹۹)، گمانه‌زنی‌های زیادی در رابطه با احتمال پیروزی جو بایدن (رقیب دموکرات ترامپ) مطرح شد. در همین پیوند، در ایران دولتمردان و طیف همفکر دولت و مقامات وزارت خارجه، به بازگشت دموکرات‌ها به قدرت و احیای برجام امید داشتند. این امیدواری دولت و انگاره مثبت جامعه ایران از تحلیل پیروزی بایدن - که از سوی رسانه‌های حامی دولت بشدت تبلیغ می‌شد - با اظهارات بایدن و انتشار پیش‌نویس سند سیاست دموکرات‌ها افزایش یافت. در این سند از لزوم بازگشت به برجام با عبارت «سازگاری متقابل»^۱ سخن به میان آمده است: «ما معتقدیم برجام بهترین ابزار برای مسدودسازی قابل بررسی مسیر ایران به سمت بمب اتمی است. خروج یک‌جانبه‌ی دولت ترامپ از برجام ما را از هم‌پیمانان خود جدا کرد و دری را به روی ایران گشود که این کشور حرکت به سمت افزایش ظرفیت برای سلاح‌های هسته‌ای (که برجام آن را متوقف کرده بود) را ادامه دهد. به همین دلیل، از نظر ما بازگشت دوجانبه به تعهدات برجامی بسیار فوری و ضروری است.»

(Democratic Party Platform, 2020:90). البته این سند تصریح دارد که برجام تنها یک نقطه‌ی آغاز برای شروع مذاکره با ایران بر سر موضوعات دیگر است. به همین دلیل در ادامه‌ی آن این‌طور آمده است: «توافق هسته‌ای از همان ابتدا به مثابه یک آغاز برای دیپلماسی ما با ایران بود، نه یک انتها. دموکرات‌ها از یک تلاش دیپلماتیک جامع برای افزایش محدودیت‌ها بر برنامه‌ی هسته‌ای ایران و رسیدگی به سایر فعالیت‌های تهدیدکننده‌ی ایران از جمله خشونت‌های منطقه‌ای،

1. Mutual compliance

برنامه‌ی موشک‌های بالستیک و سرکوب داخلی حمایت می‌کنند.» (Ibid) بر این اساس، دولت روحانی تلاش کرد تا زمان اعلام نتایج انتخابات آمریکا برجام را حفظ کند و در صورت پیروزی بایدن، طرح احیای برجام را آغاز نماید.

دوره ششم: پیروزی بایدن و تلاش برای احیای برجام

با اعلام پیروزی جو بایدن و شکست ترامپ، امیدهای دولت ایران برای احیای برجام افزایش یافت. ایران به نوعی پیروزی بایدن را به منزله پایان تحریم‌های ترامپ و بازگشت آمریکا به تعهدات برجامی تلقی می‌نمود (Hafezi, 2020). بر این اساس برآورد دولت بر این قرار داشت که با استقرار بایدن در کاخ سفید در ۲۰ ژانویه (۱ بهمن ۱۳۹۹) یکی از فرمان‌های اجرایی بایدن، بازگشت آمریکا به برجام خواهد بود. برخلاف برآوردها، رئیس‌جمهور جدید آمریکا هیچگونه فرمان اجرایی برای احیای برجام صادر نکرد. از سوی دیگر، برخی از مقامات آمریکایی از جمله آنتونی بلینکن ۱ و جیک سالیوان ۲، وزیر خارجه و مشاور امنیت ملی بایدن، بدون اشاره به خروج آمریکا از برجام، از ایران درخواست داشتند تا به مفاد برجام بازگردد. در این میان، تنها اقدامی که در این مقطع از سوی دولت بایدن صورت پذیرفت، ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر اینکه دولت او ادعای فعال‌سازی مکانیسم ماشه توسط مایک پومپئو را قبول ندارد و از این ادعا صرف‌نظر کرده‌اند (Lederer, 2021). این اقدام از سوی مقامات ایران به‌عنوان یک کنش غیر مؤثر تلقی گردید.

در نهایت پس از حدود سه ماه از آغاز به کار دولت بایدن، بدون برداشتن تحریم‌های دوران ترامپ و ضمن حفظ رویکرد «فشار حداکثری»، مذاکرات ایران با ۱+۴ (انگلیس، فرانسه، روسیه، چین و آلمان) در فروردین ۱۴۰۰ در وین از سر گرفته شد. البته آمریکا به ریاست «رابرت مالی» ۳ (نماینده ویژه ایالات متحده در امور ایران) گروهی را برای شرکت در حاشیه مذاکرات وین، اعزام نمود. در همین مقطع، سازمان انرژی اتمی ایران در ۲۷ فروردین ۱۴۰۰ در پاسخ به خرابکاری رژیم صهیونیستی در تأسیسات غنی‌سازی نظنز اعلام کرد غنی‌سازی ۶۰ درصدی اورانیوم را آغاز کرده است. با وجود این، مذاکرات وین در همین قالب در پنج دور دیگر تداوم یافت و در نهایت

1. Antony John Blinken
2. Jacob Jeremiah Sullivan
3. Robert Malley

اگرچه به تهیه یک پیش‌نویس منتهی شد؛ اما بواسطه عدم کسب تضامین متقن و فرایند راستی‌آزمایی و همچنین در پیش‌رو بودن انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۱۴۰۰، متوقف شد.

با شکست ترامپ و روی کار آمدن جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا، فرصت جدیدی برای ایران و عربستان سعودی فراهم گردید تا فصل جدیدی را در روابط خود آغاز نمایند. در این راستا، هر دو طرف قدم‌هایی را برداشته‌اند تا نشان دهند که مایلند از رویارویی اجتناب کنند. یکی از جلوه‌های این همکاری به تسهیل مشارکت مسلمانان ایرانی در مراسم حج باز می‌گردد (Wintour, 2021). به زعم برخی از تحلیلگران مسائل روابط بین‌الملل همانند فرد کاپلان، ورود ایالات متحده به مخاصمات میان بازیگران مختلف (همانند مورد ایران و عربستان) بعضاً موجب تشدید تخاصم و نه کاهش آن شده است. بر این اساس، با کاهش جایگاه غرب آسیا در راهبرد سیاست خارجی بایدن، روندهایی مثبت در چارچوب حل و فصل تخاصم میان ایران و عربستان در دولت آقای روحانی روی داد (Kaplan, 2021).

ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی

در روندنگاری سیاست خارجی دولت روحانی، «دوره اول» (از آغاز کار دولت تا انعقاد برجام)، خود به دو بخش زمانی قابل تفکیک است؛ الف) از آغاز فعالیت دولت (۹۲/۰۵/۱۳) تا توافق موقت ژنو (۹۲/۰۹/۰۳)؛ ب) از توافق ژنو تا توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین (۹۴/۰۴/۲۳). در دوره «الف»، به نظر می‌رسد عملیاتی سازی وعده انتخاباتی و برنامه صد روزه رئیس‌جمهور و گزارش عملکرد آن به مردم، باعث شد تا دولت چارچوب موقت برجام را با سرعت و دقت کم و به شکلی نادرست پایه‌گذاری کند. بر مبنای این توافق، دولت تعهدات بسیاری را در همان ابتدای مذاکرات از جمله عدم غنی‌سازی بیش از ۵٪ پذیرفت. این امتیازات، می‌بایست تنها در بخش نظارتی آژانس و عدم توسعه غنی‌سازی بیش از ۲۰ درصد محدود می‌شد؛ اما دامنه زیاد امتیازات ایران در این دوره از مذاکرات باعث شد تا اولاً ایران در توافق جامع، امتیازات و محدودیت‌های بیش‌تری در حوزه هسته‌ای در قبال اعضای ۵+۱ بپردازد؛ و دوم آنکه با فاصله گرفتن ایران از نقطه گریز هسته‌ای، نگرانی آمریکا و اروپا کاهش یابد؛ متغیری که باعث شد تا مذاکرات فرسایشی

شده و قریب ۲ سال پس از «توافق موقت»، ادامه یابد. اگرچه آمار دقیقی در این رابطه وجود ندارد؛ اما با فرسایشی شدن مذاکرات، اقتصاد ایران دچار رکودی کم سابقه شد و از فعالیت بسیاری از بخش های صنعتی و اقتصادی کاسته شده و یا به تعطیلی منتهی شد. لازم به ذکر است، روند برجسته سازی عامل خارجی (مناسبات ایران با آمریکا و اروپا) در بهبود وضعیت اقتصادی ایران در مقطع زمانی «الف» آغاز و در دوره دوم، در سطحی گسترده در جامعه، تعمیق یافت. از سوی دیگر، پردازش قهرمان سازی از شخصیت های مذاکره کننده ایران به ویژه آقای ظریف و تلاش برای جناحی سازی توافق هسته ای (برجام)، باعث سیاسی و دو قطبی سازی شدید جامعه ایران شد. توافق هسته ای ایران - با وجود انتقاداتی که به محتوا و نحوه اجرای آن وارد است - در خلا شکل نگرفته است. گام های پرسرعت و پیشرفته ایران در فعالیت هسته ای در دوره پیش از روی کار آمدن روحانی، مقاومت و پایداری ملت ایران در مقابل تحریم های بی سابقه دولت باراک اوباما و توان بازدارندگی و قدرت نظامی ج.ا. ایران به ویژه در حوزه موشکی و در سطح منطقه ای، از عوامل مؤثر و کلیدی در شکل گیری توافق هسته ای (برجام)، بوده اند. چنانچه «هنری کیسینجر»، در کتاب «نظم جهانی»^۱، در رابطه با مقاومت و پیشرفت ایران و تعدیل دیدگاه های غرب در پرونده هسته ای بیان کرده است: «گزارش ها پیشرفت ثابت توانایی های هسته ای ایران را نشان می دهد، در حالی که موضع غرب به شدت در حال نرم شدن است. [از بعد کمی] وقتی مذاکرات در ۲۰۰۳ آغاز شد، ایران ۱۳۰ سانتریفیوژ داشت. هنگام نگارش این کتاب، این رقم به حدود ۱۹۰۰۰ افزایش یافته است. در آغاز مذاکرات ایران توانایی تولید مواد هسته ای قابل شکافت را نداشت؛ در توافق نامه ی موقت نوامبر ۲۰۱۳، ایران تصدیق کرد هفت تن اورانیوم غنی شده سطح پایین دارد که با تعداد سانتریفیوژهایی که ایران دارد طی چند ماه می تواند آن را تا سطح مورد نیاز برای ساخت سلاح تبدیل نماید (که برای هفت تا ده بمب از نوع هیروشیمايي کافی باشد)».

(Kissinger, 2014: 108).

در بحث محتوایی، از مهم ترین ایرادها و انتقادات، مربوط به بخش تضامین و بندهایی همچون ۳۶ و ۳۷ برجام می شود. پذیرش «مکانیسم حل اختلاف»^۲ از سوی ایران و لحاظ نمودن آن در متن برجام، یکی از اشتباهات جدی و تهدیدزا بوده است. بر اساس برجام، تحریم های ثانویه آمریکا - که غالباً مربوط به بخش های مالی و بانکی، نفتی و تجاری بود - در بازه های زمانی ۱۲۰ روزه و

1. World Order
2. Trigger mechanism

۱۸۰ روزه تعلیق می‌شدند؛ اما پس از این بازه‌های زمانی، رئیس جمهوری آمریکا بر مبنای اصل موسوم به Waiver یا اختیار توقف موقت، باید تصمیم به تداوم یا عدم تداوم تعلیق‌ها می‌گرفت. این مسئله باعث ایجاد ابهام برای ثبات در تداوم اجرای برجام از جمله در امر تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی شد. از سوی دیگر، پذیرش حجم بالایی از بازرسی‌ها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی - که به بیان ظریف قریب ۹۳ درصد کل بازرسی‌های آژانس در سطح جهانی را شامل می‌شد - تهدیدات عمده‌ای از جمله در ابعاد جاسوسی و خرابکاری علیه ج.ا. ایران، خلق نمود.

در باب امنیت هستی‌شناختی، مقابله با اهداف استکباری آمریکا در منطقه برای ج.ا. ایران - در کنار امنیت فیزیکی - یک امر هویتی نیز محسوب می‌شود. در همین دوره بود که از مذاکره دوجانبه ایران و آمریکا کاملاً تابوردایی شد و به نوعی به «امنیت هستی‌شناختی» ج.ا. ایران، خدشه وارد شد.

در «دوره دوم» (از انعقاد برجام تا روی کار آمدن دولت ترامپ)، به نظر می‌رسد دولت روحانی به جهت نزدیک بودن انتخابات مجلس (۷ اسفند ۹۴) و با هدف تأثیرگذاری برجام بر روند این انتخابات، به سرعت اقدام به اجرای یکجانبه تعهدات برجام نمود. به نحوی که تا پیش از انتخابات ۹۴، ایران تمامی تعهدات هسته‌ای را عملیاتی کرد؛ اما اعضای ۱+۵ به‌ویژه آمریکا و تروئیکای اروپا، به برخی از تعهدات خود در برجام مشابه آنچه در سوئیفت اعلام شد^۱، پایبند نبودند. روند اقوال و افعال دولت در آن مقطع زمانی مؤید اثبات این گزاره است. اگرچه در میان دیگر نظام‌های انتخاباتی از جمله در دولت آمریکا، پی‌جویی منافع حزبی امری مرسوم است؛ اما این مسئله (اجرای کامل تعهدات هسته‌ای ایران پیش از آغاز انجام تعهدات آمریکا و اروپا) مشکلاتی را در جهت تحقق منافع ملی ایران در برجام، ایجاد نمود.

از سوی دیگر پس از اجرای برجام، دولت روحانی تلاش مؤثری برای تنوع‌بخشی به سیاست خارجی و جذب سرمایه‌گذاری از قدرت‌های اقتصادی شرق از جمله چین به عمل نیاورد. عمده رویکرد اقتصادی دولت بر جذب سرمایه از شرکت‌های اروپایی متمرکز شد. این مسئله باعث شد تا در زمان اعلام خروج آمریکا از برجام، بلافاصله عمده شرکت‌های اروپایی از ایران خارج شوند و برخی از قراردادهای نفتی و گازی از جمله با شرکت توتال، متوقف شود. از این رو، تجارت ایران با اروپا از سال ۲۰۱۸ به این سو حدود ۸۵ درصد کاهش یافت (Motevalli, 2021).

۱. ۲۷ دی ۹۴ اعلام گردید که ایران به شبکه مالی سوئیفت متصل شده است؛ اما بعدها مشخص گردید، که تنها برخی از نهادهای مالی ایران آن هم با حجمی محدود، به این شبکه دسترسی یافته‌اند.

در «دوره سوم» (از روی کار آمدن ترامپ تا خروج آمریکا از برجام)، ترامپ اقدامات عدیده‌ای برخلاف مفاد برجام علیه ج.ا. ایران صورت داد. همچنین با تأسیس «مرکز هدف‌گیری تأمین مالی تروریسم» و تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، به مقابله با قدرت و نفوذ منطقه‌ای ج.ا. ایران پرداخت. در این مقطع دولت روحانی عملکردی که بتواند ایجاد بازدارندگی در مقابل اقدامات خلاف مفاد برجام از سوی آمریکا نماید، به عمل نیاورد. از سوی دیگر، به جهت عدم تمرکز بر همسایگان، اختلافات ایران با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، تشدید شد. این مسائل، مقدمه‌ای برای خروج آمریکا از برجام و تقویت ائتلاف منطقه‌ای علیه ج.ا. ایران شد.

در «دوره چهارم» (از خروج آمریکا از برجام تا شکست طرح اینستکس)، به دنبال خروج ترامپ از برجام در می ۲۰۱۸ و آغاز کمپین فشار حداکثری وی که دربرگیرنده یک رژیم جامع تحریم‌ها بود، ایران با مشکلات اقتصادی جدی روبرو شد. در نتیجه، ارزش ریال ایران در برابر دلار آمریکا بسیار کاهش یافت (از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ حدود ۴۵۰ درصد). در حالی که کمپین فشار حداکثری ترامپ به تسلیم ایران منجر نشد، باین حال موقعیت سیاسی، اقتصادی و استراتژیک ایران را در منطقه تضعیف کرد (Karahamad and Pickhardt, 2021). بر اساس تحلیل صندوق بین‌المللی پول (IMF) اقتصاد ایران پس از خروج آمریکا از برجام به این سو به شدت منقبض و کوچک شد. ریال ایران حدود ۸۰ درصد از ارزش خود در برابر دلار را از دست داد. همچنین افزایش تورم و کاهش قدرت خرید مردم میلیون‌ها خانواده را به فقر کشاند.

در این میان، انتقاد جدی به دولت روحانی در سطح داخلی عمدتاً متوجه نحوه مدیریت نرخ ارز و کنترل بازار است که باعث هدر رفت میلیاردها دلار ذخایر ارزی و رونق بازار سیاه شد. در سطح خارجی نیز، قریب ۱ سال مذاکره بی‌نتیجه و با واسطه با آمریکا، باور به دیپلماسی حذفی (جداسازی اروپا از آمریکا) و پیش بردن مذاکرات با ۱+۴ به نحوی که به فرسایشی شدن آن منتهی شود، عدم توجه کافی به متحدان منطقه‌ای ایران و موازنه‌سازی منطقه‌ای علیه آمریکا و متحدان آن، باعث شد تا منافع ملی ج.ا. ایران مورد تهدید قرار گیرد. چنانچه در همین دوره ترور سردار سپهبد شهید سلیمانی به دستور رئیس‌جمهور آمریکا صورت پذیرفت. البته، پیشبرد گام پنج‌گانه هسته‌ای از سوی سازمان انرژی اتمی ایران، از نقاط مثبت در عملکرد دولت روحانی در زمینه سیاست خارجی به شمار می‌رود.

در «دوره پنجم» (از شکست مذاکرات با اروپا تا پیروزی جو بایدن)، عملکرد دولت روحانی مؤید ناامیدی از اقدامات اروپا است. از این رو، توسعه همکاری با چین در این دوره شکل گرفت. البته، برآوردهایی که دال بر پیروزی بایدن در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا بود؛ باعث کندی در روند همکاری ایران با چین شد. بر این اساس این دوره را می‌توان تحت عنوان «ناامیدی از اقدامات اروپا، گرایش نسبی به شرق‌گرایی و هم‌زمان امید به تغییر قدرت در آمریکا (پیروزی بایدن)» نام‌گذاری کرد.

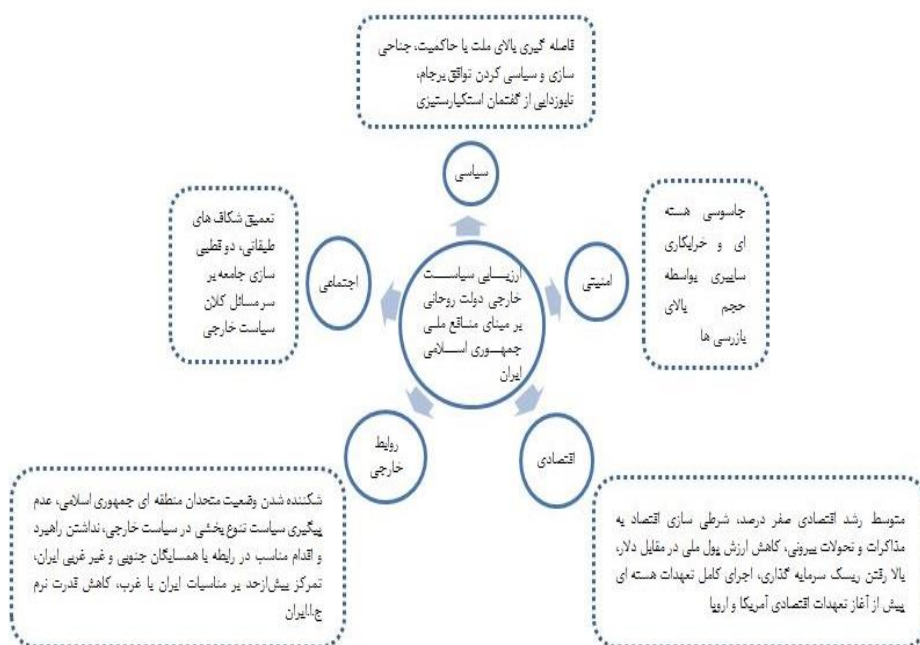
«دوره ششم» (پیروزی بایدن و تلاش برای احیای برجام)، قریب ۶ ماه پایانی دولت روحانی را در برمی‌گیرد. در قریب سه ماه اول، تلاش شد تا بایدن با صدور یک فرمان اجرایی به مفاد برجام و عضویت مجدد در آن بپیوندد. در دو ماه پس از آن نیز با وجود شش دور مذاکره ایران با اعضای ۴+۱ و تهیه یک پیش‌نویس، به واسطه عدم کسب تضامین متقن و فرایند راستی‌آزمایی و همچنین در پیش‌رو بودن انتخابات ریاست جمهوری ایران در خرداد ۱۴۰۰، برجام احیا نشد. از انتقادات مطروحه به این دوره نیز، عدم تمرکز بر مدیریت داخلی و افزایش همکاری با متحدان منطقه‌ای ایران و تمرکز تک بعدی بر روی مسئله احیای برجام بوده است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف ارزیابی سیاست خارجی دولت روحانی (۱۳۹۲-۱۴۰۰) در چارچوب «منافع ملی ج.ا. ایران» و با روش «تحلیل روندها» تدوین یافت. بر اساس مطالعاتی که در این ارتباط به عمل آمد، سیاست خارجی دولت روحانی به شش دوره تقسیم شد. برابر یافته‌های این پژوهش، سیاست خارجی ج.ا. ایران در دوران روحانی با پرونده هسته‌ای و انعقاد برجام آغاز و با تلاش برای حفظ و احیای آن به پایان یافت.

اگرچه دیپلمات‌های این دولت از جمله آقایان ظریف و عباس عراقچی زحمات زیادی برای انعقاد، حفظ و احیای برجام کشیدند، ولی بررسی روند سیاست خارجی دولت روحانی، نشان می‌دهد این دولت به دلایلی چند از جمله تمرکز زیاد بر برجام، سیاسی و جناحی کردن این سند ملی، عدم موازنه‌بخشی مناسب و کافی در سطح داخلی (عدم اصلاح ساختار و سبک مدیریتی در داخل، توزیع و بازتوزیع ناعادلانه منافع حاصل از برجام در جامعه، تعمیق شکاف‌های طبقاتی، سیاست‌های نادرست کنترل ارز، نظارت ضعیف بر بازار و ...) و خارجی (عدم پی‌جویی تنوع‌بخشی در سیاست

خارجی، نداشتن راهبرد و اقدام مناسب در رابطه با همسایگان جنوبی و غیر غربی ایران و تقویت ناکافی جبهه مقاومت)، در پیشبرد منافع ملی ج.ا. ایران، نتوانست موفقیت قابل توجهی بدست آورد. در واقع، ۸ سال سیاست خارجی دولت روحانی با محوریت برجام به مذاکره با آمریکا و اروپا گذشت. دولت در دو سال نخست خود بر دستیابی به توافق و در شش سال دیگر، به حفظ و احیای آن توافق (برجام)، متمرکز شد. از این حیث، کابینه روحانی در این سال‌ها به وزارت خارجه و وزارت خارجه به برجام تقلیل یافت. به واسطه این اولویت‌بندی اشتباه و تمرکز بیش از حد بر مناسبات ایران با غرب، روابط ج.ا. ایران در منطقه با متحدان در حالتی شکننده و با رقبا در موقعیتی خطرناک قرار گرفت. در سطح داخلی نیز در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی ایران در وضعیت بسیار نامساعدی قرار گرفت. رشد اقتصادی صفر درصد (در مجموع ۸ ساله) و ایجاد شکاف‌های عمیق اجتماعی و طبقاتی و فاصله‌گیری بالای ملت با حاکمیت، گواه این ادعا است. اگرچه وجود این چالش‌ها در انتهای دولت روحانی، تنها مرتبط با سیاست خارجی این دولت نیست و تحولات محیط بیرونی و داخلی از جمله روی کار آمدن ترامپ و بازگشت تحریم‌های اقتصادی بر این روند مؤثر واقع شد؛ اما چنانچه آن موارد آسیب‌زا و رویکردهای اشتباه در سطوح داخلی و خارجی دولت روحانی روی نمی‌داد؛ منافع ملی ج.ا. ایران تا حدودی زیادی و بر اساس اسناد بالادستی از جمله چشم انداز ۱۴۰۴، در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و هویتی، محقق می‌شد.



فهرست منابع

منابع فارسی:

- آیت الله خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰)، سخنرانی در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۰/۴/۱۸): <http://www.khamenei.ir>
- ابولحسن شیرازی، حبیب اله، لکزی، مهدی (۱۳۹۴)، "جایگاه منافع ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره روحانی"، فصلنامه امنیت ملی، سال اول، شماره اول.
- اجاقلو، نسیم الله (۱۳۸۵)، شورای امنیت آخرین ایستگاه پرونده هسته‌ای ایران، تهران: مؤلف.
- دارمی، سلیمه (۱۳۸۶)، "وقایع نگاری تحولات هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶"، در کتاب پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۴)، "گفتگوی هسته‌ای ایران و اروپا (از آغاز تا نشست بروکسل)"، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال نوزدهم، ش ۲۱۲-۲۱۱: ۷۲-۵۲.
- چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: از دولت بازرگان تا دولت روحانی، تهران: نشر مخاطب. (۱۳۹۳)

- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و عطایی، مهدی (۱۳۹۳)، "گفتمان هسته‌ای دولت یازدهم"، تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفدهم، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۶۳.
- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: سمت. (۱۳۹۴)
- اصول و مبانی روابط بین‌الملل (ج ۱)، انتشارات سمت. (۱۳۹۶)
- سلطانی‌نژاد، احمد و شاپوری، مهدی (۱۳۹۲)، "ایران و آمریکا: چرخه منفی برسازی و استمرار مناقشه هسته‌ای"، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۳۲ - ۱۰۵.
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۰)، هویت و سیاست هسته‌ای در جمهوری اسلامی ایران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- تجزیه و تحلیل تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از منظر فردگرایی تفسیری (۱۳۹۲-۱۳۹۴)"، دو فصلنامه علمی دانش سیاسی، سال شانزدهم، شماره اول (پیاپی ۳۱)، بهار و تابستان ۱۹۰ - ۱۶۹، صص. ۱۳۹۹
- عباسی، ابراهیم، صالحی، سید جواد و حسونند، مظفر (۱۳۹۴)، "دیپلماسی هسته‌ای ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی (۲۰۱۵ - ۱۹۹۷)"، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال هفتم پاییز ۱۳۹۴ شماره ۱ (پیاپی ۴۳).
- فرزانه‌پور، حسین وزنگنه، پیمان (۱۳۸۸)، "مقایسه رفتاری سیاست خارجی ایران: گفتمان آرمان‌گرای ارزش-محور و گفتمان ایدئولوژیک ارزش‌محور عمل‌گرا"، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، صص ۱۵۷-۱۱۹.
- فلاحی، سارا (۱۳۸۶)، "بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد (تا پایان قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت)"، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۶.
- گوهری مقدم، ابوذر، فیضی، رضا و باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۷)، "بررسی مفهوم هویت و منافع ملی و رابطه بین آنها در اندیشه مقام معظم رهبری"، فصلنامه امنیت ملی، سال هشتم، شماره بیست و هشتم.
- محمودی کیا، محمد (۱۳۹۷)، "منطق و جهان‌نگرش سیاست خارجی دولت روحانی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی / واحد شهرضا، ۱۷۸ - ۱۵۱ صص، شماره ۳۴.
- محمودخانی، زهرا و کشیشیان، گارینه (۱۳۹۵)، "بررسی مقایسه‌ای گفتمان‌های سیاست خارجی دولت دهم و یازدهم و تأثیر آن بر امنیت منطقه خاورمیانه ۱۳۹۴-۱۳۸۴"، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۳-، شماره ۲، صص ۳۵-۷.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۷)، مبانی نظری تبیین و تحلیل سیاست خارجی، تهران: سمت.
- مورگنتا، هانس جی (۱۳۹۳)، سیاست میان‌ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی.
- مولانا، حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۸)، سیاست جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد، تهران: نشر دادگستر، چاپ سوم.

- منصوری مقدم، جهانشیر و اسمعیلی، علی (۱۳۹۰)، "تحلیلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد از مدل پیوستگی جیمز روزنا"، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، صص ۳۰۰ - ۲۸۳.
- نوربخش، سید هادی، غفوری، سید محمد حسین و ملکی، عباس (بهار ۱۳۹۴)، "به کارگیری نظریه بازیها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران"، تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیست و چهار.
- Akbarzadeh, Sh. & Condit, D. (eds.) (2016). *Iran in the World: President Rouhani's Foreign Policy*. Palgrave Macmillan.
- Axworthy, M. (2017). Regime Change in Iran Would Be a Disaster for Everyone. Retrieved from <https://foreignpolicy.com/2017/07/18/regime-change-in-iran-would-be-a-disaster-for-everyone-trump-tillerson/>
- Beard, Charles A. AND George H.E. Smith (1934), *The Idea of National Interest; An Analytical Study in American Foreign Policy*. New York: The Macmillan Company. Pp 583.
- Brzozowski, A. (2020). INSTEX fails to support EU-Iran trade as nuclear accord falters. Retrieved 3 March 2022, from <https://www.euractiv.com/section/global-europe/news/instex-fails-to-support-eu-iran-trade-as-nuclear-accord-falters/>
- Democratic Party Platform. (2020). *The Democratic National Convention*, available at: <https://cdn.factcheck.org/UploadedFiles/2020-Democratic-Party-Platform.pdf>
- Ensor, David. (2002). "U.S. has photos of secret Iran nuclear sites". Available at <http://edition.cnn.com/2002/WORLD/meast/12/12/Iran.Nuclear/>
- Erästä, T. (2017). Time for Europe to put Iran's missile programme in context, Sipri (STOCKHOLM INTERNATIONAL PEACE RESEARCH INSTITUTE).
- Hafezi, P. (2020). Iran hopes for a change in 'destructive U.S. policies' after Biden win. Retrieved 3 March 2022, from <https://www.reuters.com/article/uk-usa-election-iran-idUSKBN27N0N8>
- Iran nuclear project forges ahead. (2006). News.bbc.co.uk. Retrieved 21 April 2018, from http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/5288286.stm
- Irish, J and Hafezi, P. 2019. France pushes \$15 billion credit line plan for Iran, if U.S. allows it, Reuters, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-iran-usa-france-idUSKCN1VO1AF>
- Kamkar, M & Najafi, R. (2019). Saudi Arabia's Foreign Policy: Dialectics of Agent-Structure, *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol. 8, No. 2, Summer- Fall 2017, pp. 51-77
- Kennan, G. (1957). *American Diplomacy, 1900-1950*, New York: Mention Books.
- Kerr, Paul K and Katzman, Kenneth. (2018). *Iran Nuclear Agreement and U.S. Exit*, Congressional Reserch Service.
- Kissinger, H. (2014). *World Order: Reflections On The Character Of Nations and The Course Of History*, Penguin Press: New York, 432 pp.
- Los Angeles Times. (2013). U.S.-Iran thaw began with months of secret meetings, Available at: <https://www.latimes.com/world/la-xpm-2013-nov-24-la-fg-1125-iran-tic-toc-20131125-story.html>
- Mills, C. (2018). Pompeo Demands a King's Ransom from Iran. Retrieved from <https://nationalinterest.org/feature/pompeo-demands-kings-ransom-iran-25907>
- Mitzen J. (2004). "Ontological Security in World Politics and Implications for the Study of European Security". *The Cidel (Citizenship and Democratic Legitimacy in Europe) Workshop*, Oslo.

- Motevalli, G. (2021). Four Years of Crisis: Charting Iran's Economy Under Trump. [online] Bloomberg.com. Available at: <<https://www.bloomberg.com/news/articles/2021-09-27/asia-stocks-to-open-steady-as-treasury-yields-jump-markets-wrap>> [Accessed 28 September 2021].
- Nelson, L. (2018). Pompeo threatens Iran with 'strongest sanctions in history'. Retrieved from <https://www.politico.com/story/2018/05/21/mike-pompeo-iran-sanctions-600922>
- Osiewicz, Przemyslaw, (۲۰۱۹), Ideologizing and Fundamentalism in Iranian Foreign Policy under the Hassan Rouhani Presidency, EUROPEAN, MIDDLE EASTERN, & AFRICAN AFFAIRS, p p 109-121
- Rappeport, A. (2017). U.S. Targets Terrorist Financing with New Round of Sanctions, The New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2017/10/25/us/politics/us-targets-terrorist-financing-with-new-round-of-sanctions.html>
- Sanger, D. (2018). With Bolton, Trump Creates a Hard-Line Foreign Policy Team. Retrieved from <https://www.nytimes.com/2018/03/22/us/politics/bolton-trump-hard-liners.html>
- Sanger, David E. 2016. John Kerry Confronts Concerns of Arab States After Iran Nuclear Deal, The New York Times, Available at: <https://www.nytimes.com/2016/04/08/world/middleeast/year-after-iran-nuclear-deal-kerry-confronts-concerns-of-arab-states.html>
- Tasnm News Agency, 2016, EIA Says Iran's Oil Output Increases by over 18% in 9 Months, Available at: <https://www.tasnimnews.com/en/news/2016/12/26/1278611/eia-says-iran-s-oil-output-increases-by-over-18-in-9-months>
- Trevithick, J. (2018). Pompeo's 12 Demands For Iran Read More Like A Declaration Of War Than A Path To Peace. [online] Available at: <http://www.thedrive.com/the-war-zone/20989/pompeos-12-demands-for-iran-read-more-like-a-declaration-of-war-than-a-path-to-peace> [Accessed 16 Nov. 2018].
- Wendt, Alexander. (1999). Social Theory of International Politics. Cambridge: Cambridge University Press.
- Yalon, Y. (2018). Israel cannot accept Iran's regional expansion. <https://www.israelhayom.com/2018/05/04/israeli-president-to-germany-we-cannot-accept-irans-regional-expansion/>
- Zarif, M.J. (2014). "What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era". Foreign affairs, Vol. 93, No. 3, pp. 1-11.
- Harrison, R. 2021. The GCC versus Iran: Low Intensity War, High Intensity Conflict, Arab Center for Research and Policy Studies.
- Wintour, P. (2021). Biden presidency 'may herald new start for Saudi-Iranian relations'. Retrieved 27 September 2021, from <https://www.theguardian.com/world/2021/jan/31/biden-presidency-spell-new-start-saudi-iranian-relations>
- Kaplan, F. (2021). Saudi Arabia and Iran Are Starting to Solve Their Differences Without America. Retrieved 27 September 2021, from <https://slate.com/news-and-politics/2021/05/saudi-arabia-iran-biden.html>

